



10.82322/jwsf.2025.1106436



«زن و مطالعات خانواده»

سال هجدهم، شماره شصت و هشتم، تابستان ۱۴۰۴

ص ص: ۱۹۲-۱۵۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

بررسی اثرات کیفیت زندگی بر اشتغال زنان در ایران

منیره دیزجی^۱ آرش کتابفروش بدری^۲ حمید رستمی^۳

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان مشارکت زنان در بازار کار ایران است. این در حالی است که در اغلب پژوهش‌های انجام یافته عوامل موثر بر اشتغال زنان مورد مطالعه قرار گرفته و یا به بررسی اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند و این موضوع به عنوان نوآوری پژوهش حاضر به شمار می‌رود. بازه زمانی مورد بررسی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹ است که در آن از روش خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) بهره گرفته شده است. در این مطالعه که از نوع علی تحلیلی است سعی شده تا اثرات عوامل شاخص کیفیت زندگی نظیر درآمد سرانه، میزان باسوادی، امید به زندگی و فناوری اطلاعات بر اشتغال مورد بررسی قرار گیرند. نتایج بدست آمده از پژوهش حاکی از آن است که درآمد سرانه، میزان باسوادی، امید به زندگی تاثیر مثبت و معنی‌دار، در حالی که دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات تاثیر منفی و معنی‌داری بر اشتغال زنان در دوره‌ی مورد بررسی داشته است. در کل بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت که با برنامه‌ریزی در راستای افزایش کیفیت زندگی از طریق بالا بردن میزان باسوادی زنان و بهبود امید به زندگی توسط انجام هزینه‌های آموزشی و سلامت و بهداشت، زمینه‌ی افزایش اشتغال زنان را فراهم کرد. همچنین با بکارگیری فناوری‌های مدرن از جمله ICT از سوی دولت‌ها، برنامه‌ریزی مناسبی جهت بهبود کسب و کار زنان در فضای مجازی انجام داد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، کیفیت زندگی، نرخ باسوادی، مدل ARDL.

^۱. دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). dizaji@iaut.ac.ir

^۲. دکتر، گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

^۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

در دو قرن گذشته یکی از مهمترین تحولات، تغییر در سبک زندگی و روابط اجتماعی و اقتصادی زنان بوده است. با توجه به تاکید بر عاملیت انسانی، الگوهای اشتغال در دوران مدرن از نظر کمیت و کیفیت و ترکیب تحول چشمگیری پیدا کرده است (هاشم زهی، ۱۴۰۲، ۴۰). یکی از مباحث اساسی در زمینه‌ی توسعه، میزان بهره‌گیری درست و منطقی از توانایی‌ها و استعدادهای نیروی انسانی هر جامعه است. بر این پایه شغل یا اشتغال یکی از موضوعات مورد توجه علوم اجتماعی است که مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است. نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکار ناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود. در جهت این پویایی، بی‌تردید زنان به عنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در توسعه‌ی جامعه دارند زیرا هدف هر جامعه‌ای، به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است. در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه‌ی اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود، زیرا مشارکت زنان در بازار کار، موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه سبب افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۱، ۱۳۱). در کشورهای صنعتی و پیشرفته درصد شاغلین زن مابین ۳۵ تا ۵۰ درصد نیروی کار است. در کشورهای در حال توسعه نیز زنان در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد نیروی کاری را تشکیل می‌دهند، این میزان در ترکیه ۳۰ درصد، کره جنوبی ۹/۳۹ درصد، هندوستان ۹/۲۵ درصد و مصر ۱۸ درصد می‌باشد. تنها کشورهای بسیار فقیرتر از ایران مانند پاکستان (۷/۳ درصد) درصد زنان شاغل کمتری از ایران را نمایش می‌دهند (هاشم زهی، ۱۴۰۲، ۴۱).

در تقسیم‌بندی مشاغل، به مشاغل بخش‌های سنتی و کمتر توسعه‌یافته و بخش‌های نوین، مشاهده می‌شود که هر گاه مشاغل مربوط به امور آموزشی و درمانی را از قلمرو مقایسه خارج کنیم، اکثریت قریب به اتفاق فرصت‌های شغلی زنان در مشاغل سنتی و غیر متشکل است. آنچه در تحولات اخیر اشتغال زنان، بیش از هر نکته دیگر چشمگیر و قابل توجه می‌باشد، استقبال زنان از افزایش سطح تحصیلی و دسترسی به مشاغل جدید حرفه‌ای و فنی می‌باشد. گرایش زنان و دختران به تحصیلات و تخصص‌های فنی و حرفه‌ای، فرصتی است که می‌توان با استفاده صحیح از آن نه تنها مشکلات فعلی اشتغال را حل کرد، بلکه در جهت ایجاد تعادل بیشتر اجتماعی و فرهنگی از نظر تساوی حقوق زن و مرد و بهبود روابط خانوادگی، گام‌های بزرگی برداشت (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵، ۱۶). بر اساس بررسی‌های آماری انجام شده ۸۲/۳۸ درصد زنان شاغل در بخش آموزشی و فرهنگی کار می‌کنند و در بخش‌های خدمات فنی، مهندسی، حرفه‌ای و کشاورزی، کمتر از ۵ درصد اشتغال دارند. به عبارت دیگر، زنان در مشاغل فنی و مهندسی، خدمات فنی و حرفه‌ای و کشاورزی کمتر تمرکز یافته‌اند؛ (البته لازم به ذکر است که این آمار مربوط به مشمولین استخدام رسمی

کشور می‌باشد و بنابراین گروه کثیری که در امر کشاورزی و صنایع روستایی دست‌اندرکارند را شامل نمی‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف امروز به واقعیت انکارناپذیر جامعه‌ی ایران تبدیل شده است. این وضعیت حاصل دگرگونی در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشه‌های متضاد با مردسالاری، گسترش آگاهی‌های عمومی، ارتقای تحصیلات تخصصی زنان و همچنین تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر است. در این زمینه می‌توان به افزایش سهم نسبی زنان شاغل اشاره کرد. در نگاه اول اصلی‌ترین انگیزه برای اشتغال زنان مسائل اقتصادی بوده است اما امروزه حتی زنان مرفه برای کسب موفقیت‌های فردی و ایجاد جایگاه اجتماعی مناسب به کار خارج از منزل تمایل دارند. علاوه بر این داشتن شغل متناسب با روحیات و تحصیلات در بهبود وضعیت روحی و روانی و ارتقای سطح سلامت اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد. هر قدر میزان تحصیلات زنان بالاتر رفته، سطح اشتغال آنها نیز بالاتر رفته است. دسترسی داشتن به فرصت‌های تحصیلی و آموزشی نه تنها وضعیت اشتغال زنان را ارتقا داده، بلکه در زمینه بهداشت، حقوق زناشویی و خانوادگی نیز برای آنان دستاوردهای مثبتی داشته است (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵، ۱۸).

به نظر می‌رسد هرچقدر اشتغال بتواند سطح کیفیت زندگی زنان را ارتقاء دهد تمایل به اشتغال نیز افزایش خواهد یافت؛ از منظر کاستانزا (۲۰۰۷) کیفیت زندگی (QOL2) را می‌توان به عنوان میزان تأمین نیازهای مورد نیاز انسان و در ارتباط با ادراک مردم از رفاه ذهنی تعریف می‌کند. از سوی دیگر، سنلایر (۲۰۰۹) کیفیت زندگی را ارتباط بین ادراک مردم و تجربه تعریف می‌کند. بنابراین کیفیت زندگی را می‌توان در قالب واژه‌هایی مانند احساس عمومی خوشبختی، حس مثبت از روابط اجتماعی و فرصت‌های بروز توانایی‌های فردی را مشاهده کرد (چن و همکاران، ۲۰۱۸، ۳۲۹). ارتباط با محیط بیرون از منزل و محیط اطراف به پویایی و سرزندگی زنان شاغل می‌انجامد، از این رو زنان شاغل معمولاً از لحاظ کیفیت زندگی اجتماعی و خانوادگی موقعیت بهتری نسبت به زنان خانه‌دار دارند. زنان شاغل خود پنداره مثبت‌تری از خود دارند و اشتغال را باعث شور و نشاط خود می‌دانند (پاسنا و پلاگنول، ۲۰۱۸، ۱۰۶۶).

اشتغال زنان منجر به افزایش انگیزه و امید به زندگی در آنان می‌شود. تحقیقات حاکی از آن است که کار بر سلامت جسمی زنان تأثیر دارد. به طوری که زنان شاغل به میزان کمتری نسبت به زنان خانه‌دار به افسردگی مبتلا می‌شوند. اشتغال سبب افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس در زنان می‌شود و سلامت روحی و روانی آنان را بهبود می‌بخشد. زنان شاغل از نظر جسمی سالم‌تر از زنان خانه‌دار هستند و ساعات کمتری

¹. Castanza

². Sniler

³. Chen et al.

⁴. Piasna and Plagnol

احساس بیماری می‌کنند (کاکس مارتین و همکاران^۱، ۲۰۲۰، ۱۸۰). زنانی که در سنینی هستند که توانایی کار کردن دارند ولی نتوانسته‌اند شغلی بیابند اغلب از مشکلاتی مثل سرردهای میگرنی، بیخوابی، یاس، فقدان انگیزه، اندوه، تنهایی، افسردگی و احساس پوچی رنج می‌برند (درولت^۲، ۲۰۱۷، ۶۰). اشتغال زنان بر رضایتمندی از زندگی خانوادگی نیز تأثیر دارد و اثرات مطلوبی بر روابط خانوادگی بر جای می‌گذارد. چنانچه درآمد خانواده از سوی هر دو زوج باشد باعث سهولت زندگی می‌شود (قاضی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۹). زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار از زندگی زناشویی خود لذت می‌برند و احساس بهتری نسبت به فرزندان خود دارند. البته حمایت همسر از شاغل بودن زن تأثیر زیادی بر احساس رضایت زن دارد (ترکمن و فتحی ۱۳۹۵، ۱۰). معمولاً زنانی که کار می‌کنند قدرت چانه‌زنی بیشتری در عرصه‌ی خانواده دارند و به سبب پایگاه مالی که کسب کرده‌اند می‌توانند میزان خشونت‌های خانگی علیه خود را کاهش دهند. معمولاً زنان خانه‌دار بیشتر قربانی خشونت‌های خانگی هستند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). در برخی از کشورها از جمله ایران، عموماً فرض می‌شود خانه‌داری از وظایف زنان است؛ اما واقعیت این است که آشپزی، ظرف شستن، گردگیری و ... اموری است که از عهده‌ی هرکسی برمی‌آید و نباید منحصر به زنان دانسته شود. معمولاً انجام کارهای تکراری و خسته‌کننده و فاقد خلاقیت، باعث بروز افسردگی و یکنواختی در زنان می‌شود. ارتباط با محیط بیرون از منزل و محیط اطراف به پویایی و سرزندگی زنان شاغل می‌انجامد، از این‌رو زنان شاغل معمولاً از لحاظ کیفیت زندگی اجتماعی و خانوادگی موقعیت بهتری نسبت به زنان خانه‌دار دارند. زنان شاغل اعتماد به نفس بالاتری داشته و اشتغال را باعث شور و نشاط خود می‌دانند. در کل می‌توان گفت اشتغال زنان منجر به افزایش امید به زندگی در آنان می‌شود و همچنین موجب می‌گردد خود را عضو مفید و سازنده‌ای از جامعه بدانند (رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۱، ۱۳۴).

کیفیت زندگی مطلوب، همواره آرزوی بشر بوده و هست. در ابتدا رفاه و طول عمر بیشتر، معنی کیفیت زندگی بهتر را داشت. اما امروزه کیفیت زندگی در نقطه مقابل کمیت، قرار گرفته و با توجه به ابعاد گسترده سلامتی، تعریف می‌شود و منظور از آن سال‌هایی از عمر است که همراه با رضایت، شادمانی و لذت بخشی باشد. در دنیای امروز، زندگی کردن تنها به معنای زنده بودن و بیمار نبودن نیست، بلکه چگونگی زندگی نیز اهمیت دارد. در چنین شرایطی، دیگر افزایش میانگین طول عمر و امید به زندگی، هدف نیست، بلکه هدف افزایش سال‌های زندگی سالم است؛ بدین معنی که چند سال از عمر افراد، به سلامت سپری شده است. به بیان دیگر، امروزه سلامت به عنوان منبع با ارزشی است که تداوم آن در طول زندگی، کیفیت زندگی فرد را تعیین می‌کند (ترکمن و فتحی، ۱۳۹۵، ۱۴). کیفیت زندگی سازه‌ای پیچیده است که انواع

^۱. Cox-Martin et al.

^۲. Drolet

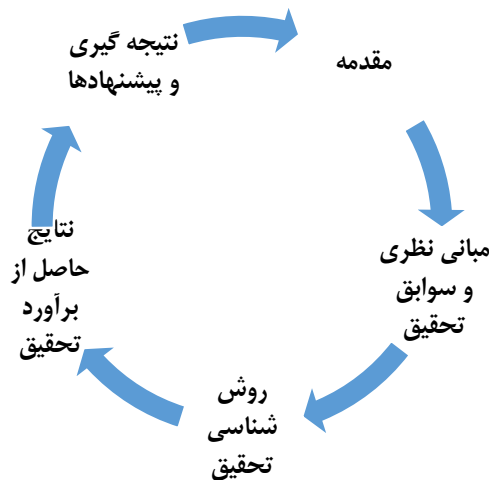
حیطه‌ها از جمله وضعیت سلامت، توان انجام فعالیت‌های روزمره، وجود فرصت‌هایی برای دنبال کردن علائق تفریحی، کارکرد اجتماعی در دوستان و روابط با دیگران، دسترسی به منابع مراقبت از سلامت، معیارهای زندگی و سلامت عمومی را در بر می‌گیرد. به عبارتی دیگر، کیفیت زندگی مفهومی با دامنه وسیع است که تحت تاثیر مجموعه‌ای گسترده از سلامت فیزیکی شخصی، حالات روان شناختی، سطح استقلال روابط قرار دارد. در مجموع کیفیت زندگی دارای ابعاد مختلف فیزیکی، روانی و اجتماعی است که گستره وسیعی از طیف زندگی فرد را در بر می‌گیرد (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵).

مطابق تحقیقات انجام یافته با افزایش اشتغال زنان، کیفیت زندگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، بطور مثال نتیجه تحقیق میرجلیلی و همکاران (۱۳۹۹) در زنجان بیانگر این است که هرچه میزان درآمد زن در خانواده افزایش یابد، سطح کیفیت زندگی زنان نیز افزایش می‌یابد. مطالعه دل پیشه و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که بر اساس نتایج بدست آمده مهم‌ترین دلایل تاثیرگذار بر کیفیت زندگی در زنان سرپرست خانوار کمی سواد، وضعیت اقتصادی نامطلوب و داشتن بیماری‌های مزمن بود؛ به عبارتی دیگر میزان سواد، سلامت جسمی و روحی، وضعیت اقتصادی و درآمد زنان بر کیفیت زندگی آنان تاثیرگذار بوده است و تلویحا مابین شاخص‌های کیفیت زندگی و اشتغال زنان رابطه وجود دارد. همچنین برخی از مطالعات عوامل موثر بر اشتغال زنان را مورد تاکید و بررسی قرار داده‌اند. مطالعه پاسبان (۱۳۸۵) عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که ارتباطی مثبت و مستقیم میان اشتغال زنان روستایی، توسعه‌یافتگی و سهم هزینه‌های دولت از تولید ناخالص داخلی و ارتباطی منفی میان مراحل اولیه توسعه‌یافتگی، نسبت ازدواج به طلاق، تعداد فرزندان متولد شده و هزینه خانوار برقرار می‌باشد. کریمی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین فساد مالی و اشتغال زنان در کشورهای منتخب پرداختند. نتایج بررسی نشان می‌دهد یک راهکار برای مقابله و کنترل فساد، افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. محمد نوربخش و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی تاثیر اشتغال بر کیفیت زندگی کاری کارکنان شرکت توزیع برق استان گیلان رابطه معناداری میان بخش شغلی با ظرفیت‌های نیروی انسانی پیدا نکرده‌اند. براساس نتایج پژوهش زنجانی و بیات (۱۳۸۹) اشتغال تاثیر مثبتی بر کیفیت زندگی زنان دارد و تفاوت در دو بعد نشاط و سلامت روانی معنادار بود. بنابراین فراهم نمودن زمینه‌هایی برای اشتغال بانوان باعث افزایش کیفیت زندگی و سلامت زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه خواهد بود. نتیجه مطالعه گیوسان و آگایو^۱ (۲۰۲۰) در اسپانیا و نیز مطالعه منسارینی و وینگولی^۲ (۲۰۱۷) در ایتالیا نیز بیانگر وجود ارتباط مثبت بین اشتغال زنان و کیفیت زندگی آن‌ها می‌باشد.

^۱. Guisan and Aguayo

^۲. Mencarini and Vingoli

پس به نظر می‌رسد یکی از عناصری که می‌تواند بر میزان مشارکت زنان اثرگذار باشد، کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات جذاب تبدیل شده است که توجه علاقه‌مندان و محققان زیادی را به خود جلب می‌کند. امروزه، بهبود کیفیت زندگی هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌هاست. مفهوم کیفیت زندگی در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و بحث‌های اقتصاد نوین مطرح شده و از دهه ۱۹۶۰ میلادی در کشورهای اروپایی رواج یافت. این عبارت در برخی جوامع پیشرفته همراه و گاهی مترادف با عبارت‌های دیگری مانند بهزیستی همگانی، رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی و مانند آن به کار می‌رود. طی سی سال گذشته، کیفیت زندگی به مثابه هدف اصلی توسعه جامعه بر ماهیت سیاست‌گذاری بسیاری کشورها تأثیر گذاشته است (قدمی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۵۲). بهبود کیفیت زندگی در مکان و یا برای اشخاص و گروه‌های ویژه همواره کانون اصلی توجه برنامه‌ریزان بوده و بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه، یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های عمومی آن جامعه است (دیوسالار و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۲). بنابراین بر اساس مطالعات انجام شده تأثیر مثبت اشتغال زنان بر بهبود کیفیت زندگی آنان قابل مشاهده است؛ حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا عکس این قضیه نیز صادق است به عبارتی دیگر آیا شاخص کیفیت زندگی هم بر میزان اشتغال زنان اثر دارد؟ مسلماً نتایج این تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در شناسایی رابطی بین وضعیت اشتغال زنان با کیفیت زندگی آن‌ها کمک موثری داشته باشد تا بتوان میزان کیفیت زندگی آن‌ها را افزایش داد و زنان نیز می‌توانند در جامعه و محیط خانه نقش خود را به خوبی ایفا کنند. از آنجا که اغلب مطالعات در زمینه اشتغال به بررسی عوامل دیگری غیر از شاخص کیفیت زندگی پرداخته‌اند یا با این دیدگاه به موضوع نپرداخته‌اند، نوآوری اصلی تحقیق حاضر نیز همین بوده است. به همین دلیل این مطالعه به بررسی تأثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان مشارکت زنان در بازار کار ایران در دوره‌ی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹ با استفاده از مدل ARDL می‌پردازد. این پژوهش به طور دقیق‌تر در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که: کیفیت زندگی چگونه بر میزان اشتغال زنان در ایران تأثیر می‌گذارد؟ و هدف اصلی تحقیق؛ تعیین میزان تأثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان اشتغال زنان ایران می‌باشد. در مورد ساماندهی تحقیق لازم به ذکر است بعد از مقدمه، مبانی نظری و سوابق تحقیق بررسی شده و سپس روش‌شناسی تحقیق و نتایج حاصل از برآورد مدل مطرح شده و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود. بر همین اساس گام‌های اجرایی پژوهش در قالب فلوچارت ارائه می‌شود:



نمودار (۱). گام‌های اجرایی پژوهش

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

عوامل مختلفی بر اشتغال زنان موثر می‌باشند؛ مواردی نظیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، شرایط ازدواج، سطح تحصیلات و تعداد موالید از جمله این عوامل می‌باشند. سطح اقتصادی کشور، چگونگی رشد و عوامل ناشی از آن از قبیل شهرنشینی، احتیاج به کارهای مخصوص زنان و غیره از عوامل مؤثر در اشتغال‌زایی زنان می‌باشند. در اغلب پژوهش‌های انجام یافته عوامل موثر بر اشتغال زنان مورد مطالعه قرار گرفته و برخی از مطالعات نیز به بررسی اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند. بنابراین در این قسمت قبل از بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان، به مفهوم کیفیت زندگی اشاره می‌شود.

کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی، و متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک سو، ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر، ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این رو، ارائه تعریفی جامع برای آن آسان نیست. البته دو دسته شاخص در سنجش کیفیت زندگی بیشتر مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته‌اند. دسته اول شاخص‌های عینی هستند که اشاره به جنبه‌های قابل لمس زندگی شهری از قبیل تعداد بیمارستان، تعدد باسوادان، میزان فضای سبز و غیره اشاره دارند. دسته دوم از شاخص‌ها ذهنی هستند و به میزان رضایت شهروندان از خدمات بهداشتی، امنیت، دسترسی به فضای سبز، میزان دسترسی به اشتغال و ... اشاره دارند (ملکی و مدانلود جویباری، ۱۳۹۵، ۱۳۵). کیفیت زندگی به مثابه کنش متقابل بین نیازهای انسانی و احساس ذهنی نسبت به تأمین این نیازها - بهزیستی ذهنی - می‌باشد. نیازهای انسانی دربرگیرنده نیازهایی مانند امرار معاش، تولیدمثل، بهزیستی، رشد، و پیشرفت است؛ و بهزیستی ذهنی نیز از رهگذر واکنش افراد و گروه‌ها به پرسش‌های مربوط به شادکامی و رضایت از زندگی تشخیص داده می‌شود.

شود (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷، ۵). کیفیت زندگی سازه‌ای پیچیده است که انواع حیطة‌ها از جمله وضعیت سلامت، توان انجام فعالیت‌های روزمره، وجود فرصت‌هایی برای دنبال کردن علائق تفریحی، کارکرد اجتماعی و روابط با دیگران، دسترسی به منابع مراقبت از سلامت، معیارهای زندگی و سلامت عمومی را در بر می‌گیرد. به عبارتی دیگر، کیفیت زندگی مفهومی با دامنه وسیع است که تحت تاثیر مجموعه‌ای گسترده از سلامت فیزیکی شخصی، حالات روان‌شناختی، سطح استقلال روابط قرار دارد. در مجموع کیفیت زندگی دارای ابعاد مختلف فیزیکی، روانی و اجتماعی است که گستره وسیعی از طیف زندگی فرد را در بر می‌گیرد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۴). اصطلاح کیفیت زندگی دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف می‌باشد. لی‌ادر سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را به عنوان نامی برجسته برای مفهوم قدیمی به عنوان بهزیستی مادی و روانی مردم در محیطی که در آن زندگی می‌کنند توصیف کرده است. کیفیت زندگی به میزان رضایت‌مندی از زندگی برمی‌گردد. حالت وجودی فرد در بهزیستی و رضایت‌مندی از زندگی که از یک طرف با حقایق بیرونی یا عوامل عینی از زندگی و از طرف دیگر با ادراک درونی یا ارزیابی که خود فرد از عوامل و حقایق زندگی تعیین می‌شود. (صانعی، ۱۳۹۳، ۳۰).

صاحب‌نظران و پژوهشگران قلمروهای مختلف و متفاوتی از کیفیت زندگی را بررسی و ابعاد فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سلامت و زیست محیطی را مطرح کرده‌اند. در میان نظریه‌پردازان اقتصادی نیز تلاش‌هایی درباره کیفیت زندگی انجام شده که در پی پل‌زدن میان شکاف در شیوه تفکر اقتصاددانان درباره احساس بهزیستی مادی و شیوه تفکر دیگر عالمان اجتماعی نسبت به این امر بوده‌اند.

شاخص‌های اجتماعی در نتیجه ترکیب با شاخص‌های اقتصادی، تصویر مقایسه‌ای بهتری را از رفاه فردی و اجتماعی در اختیار قرار می‌دهند. از انواع شاخص‌های اجتماعی می‌توان به مواردی به عنوان مهم‌ترین آنها اشاره نمود که عبارتند از: فقر و نابرابری، بهداشت و سلامت، آموزش، مسکن، اشتغال و داشتن کار شایسته، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی. در شاخص استاندارد زندگی فقط مؤلفه‌های درآمدی و تولید ناخالص یک کشور ارزیابی می‌شود اما در بررسی کیفیت زندگی علاوه بر مواردی مانند درآمد و تولید ناخالص داخلی یک کشور مؤلفه‌های مهم دیگری نظیر: شرایط محیطی مانند آلودگی محیط زیست و شرایط آب‌وهوایی، شاخص‌های سلامت افراد جامعه اعم از سلامت روانی و جسمی، کیفیت آموزش و سطح تحصیلات در یک کشور نیز بررسی می‌شود (قادری و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۷۳). به بیان دیگر کیفیت زندگی، استانداردهای سلامتی، راحتی و خوشبختی یک جامعه را اندازه می‌گیرد و بر این موضوع تاکید دارد که ثروت و دارایی عامل ارزیابی یک زندگی باکیفیت نیست و برآیند مؤلفه‌های متعدد که ثروت تنها می‌تواند یکی از آنها باشد، در خصوص کیفیت زندگی مؤثر است.

¹. Lee

کیفیت زندگی احساس و درک فرد از خوب زیستن است. این احساس از رضایت در جنبه‌هایی از زندگی که برای فرد معنی‌دار می‌باشند، منشا می‌گیرد. شاخص کیفیت زندگی می‌تواند شامل مولفه‌هایی چون قدرت خرید مصرف‌کننده، هزینه زندگی، نسبت قیمت مسکن به درآمد افراد، امنیت، خدمات بهداشتی، شاخص ترافیک، شاخص آلودگی و شاخص آب و هوا باشد. در سال ۲۰۰۵ میلادی برای نخستین بار، واحد اطلاعاتی اکونومیست (EIU)، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به منظور رتبه‌بندی کشورهای جهان ارائه و این معیار رتبه‌بندی کشورها را شاخص کیفیت زندگی (QLI)، نام‌گذاری کرده‌اند که شامل موارد مذکور می‌باشد (واحد اطلاعاتی اکونومیست، ۲۰۰۵).

در مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی، در خصوص معیارهای اندازه‌گیری آن و تاثیر بر زندگی روزانه، شاخص‌های کیفیت زندگی براساس ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ شاخص‌های عینی که عمدتاً اقتصادی می‌باشند و شاخص‌های ذهنی که عمدتاً غیراقتصادی می‌باشند. شاخص‌های عینی تحت تاثیر متغیرهای اقتصادی بوده و مورد پذیرش سیاست‌گذاران می‌باشند و به راحتی قابل تفسیراند. دو مورد از بهترین شاخص‌های ترکیبی و شاخص‌های عینی برای کیفیت زندگی شاخص فیزیکی کیفیت زندگی و توسعه انسانی است. اولین مشکل در استفاده از این دو شاخص این است که تمام حوزه‌های کیفیت زندگی را پوشش نمی‌دهند (به عنوان مثال شاخص توسعه انسانی تنها متشکل از ۳ متغیر است و وزن‌های ثابتی برای هر یک از شاخص‌ها در نظر گرفته می‌شود) و تولید ناخالص داخلی سرانه اغلب نقش بسیار مهمی را در این شاخص‌ها ایفا می‌کند. به همین منظور اخیراً با تعاریف گسترده‌تر از کیفیت زندگی شاخص‌هایی همچون شاخص رفاه اقتصادی و شاخص کیفیت زندگی معرفی و محاسبه شده است (شفیعی کاخی، ۱۳۹۰، ۹۲). تعاریف جدیدتر کیفیت زندگی آن را به صورت اختلاف بین سطح انتظارات انسان‌ها و سطح واقعیت‌ها عنوان می‌کنند که هر چه این اختلاف کمتر باشد نشان‌دهنده کیفیت زندگی بالاتر است. مطابق نظریه بازار کار دوگانه، مشاغل در دو دسته کلی اولیه و ثانویه قرار می‌گیرند. ویژگی‌های مشاغل دسته اول، داشتن دستمزد بالا، ثبات و امنیت شغلی و امکان پیشرفت در سطوح بالای شغلی است. در حالی که مشاغل ثانویه با دستمزد کم، عدم ثبات شغلی و عدم امکان رشد و پیشرفت مشخص و متمایز می‌شوند. زنان عموماً در رده دوم این مشاغل قرار می‌گیرند. علی‌رغم توانایی و مهارت بالا به هنگام استخدام، مردان که احتمالاً بیشتر به عنوان نیروی کار ثابت در نظر گرفته می‌شوند، شانس بالاتری برای جذب در بازار کار و استخدام در مشاغل اول را دارند (باروخ، ۲۰۱۶، ۲۰). طرفداران این نظریه معتقدند نمی‌توان با آموزش متزاید زنان موجب کاهش نابرابری جنسی در بازار کار شد. شواهد این گروه از نظریه-پردازان شرایط عینی زنان در آمریکای لاتین و رده‌بندی مشاغل زنانه بر حسب واقعیت‌های موجود از

¹. Baruah

رتبه‌بندی ناعادلانه است که زمینه‌ساز حضور کمی زنان در بازار کار گشته اما کیفیت اشتغال آنان را متحول نکرده‌است (چلیبیف، ۲۰۲۰، ۳۸۱). رویکرد سرمایه انسانی تمایل به برجسته‌سازی عدم جایگزینی مردان و زنان در بازار کار دارد. نظریه توانمندسازی زنان یکی از تئوری‌های جدید در سال‌های اخیر است. این تئوری در قالب نظریات توسعه پایدار مطرح می‌شود. همه جانبه بودن و مشارکت داشتن همه گروه‌های اجتماعی در فرایند توسعه پایدار، نقش مهمی در پیشبرد اهداف کلان این رویکرد دارد. رویکرد توانمندسازی در صدد است منابع دسترسی و کنترل بیشتری در اختیار زنان قرار دهد تا از این طریق زنان بتوانند با قدرت بیشتری در جامعه و بازار کار حضور یابند. این رویکرد تلاش دارد با تغییر در زنان، آنها را در فرایند توسعه از عناصر منفعل به عناصر فعال و پویا تبدیل کند (شیویلر، ۲۰۱۸، ۲۲). لازم به ذکر است از جمله این توانمندسازها می‌توان به بهبود سلامت و بهداشت، افزایش میزان سواد و تحصیلات، افزایش درآمد و دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات اشاره کرد.

بر اساس نتایج تحقیقات در مورد آثار اشتغال زنان، این نتیجه حاصل شده که اشتغال زنان بر سلامت جسمی آنان تأثیر مثبتی دارد. به طوری که به اعتقاد کاکس‌مارتین و همکاران (۲۰۲۰) و قاضی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) زنان شاغل از نظر جسمی سالم‌تر از زنان خانه‌دار هستند و ساعات کمتری احساس بیماری می‌کنند. بر اساس نتایج تحقیق درولت (۲۰۱۷) زنانی که توانایی و شرایط کار کردن را دارند ولی نتوانسته‌اند شغلی بیابند اغلب از مشکلاتی مانند سردردهای میگرنی، بیخوابی، یاس، فقدان انگیزه، اندوه، تنهایی، افسردگی و احساس پوچی رنج می‌برند. به عقیده ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) در نگاه اول به نظر می‌رسد اصلی‌ترین انگیزه برای اشتغال زنان مسائل اقتصادی بوده است اما امروزه حتی زنان مرفه از نظر اقتصادی برای کسب موفقیت‌های فردی و ایجاد جایگاه اجتماعی مناسب به کار خارج از منزل تمایل دارند. همچنین داشتن شغل متناسب با روحیات و تحصیلات در بهبود وضعیت روحی و روانی و ارتقای سطح سلامت اجتماعی زنان تأثیر به‌سزایی دارد. میزان اشتغال با میزان سواد زنان نیز رابطه‌ی مثبتی دارد، به طوری که هر قدر میزان سواد و تحصیلات زنان بالاتر رفته، سطح اشتغال آنها نیز بالاتر رفته است. میزان تحصیلات بالاتر نه تنها وضعیت اشتغال زنان را ارتقا داده، بلکه در زمینه بهداشت، حقوق زن‌شویی و خانوادگی نیز برای آنان دستاوردهای مثبتی داشته است. همچنین مطالعه کریمی و همکاران (۱۳۹۶) در زمینه آثار اشتغال زنان به بررسی رابطه بین فساد مالی و اشتغال زنان در کشورهای منتخب جهان پرداخته و نشان می‌دهند که یک راهکار برای مقابله و کنترل فساد، افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

¹. Chelebiyev

². Scheiwiller

در کل؛ نرخ اشتغال زنان مجرد بیش از زنان متأهل است. زنان شوهردار معمولاً خودشان هم رغبت کمتری به کار خارج از خانه نشان می‌دهند و شرایط زندگی هم فرصت و اجازه چنین اشتغالی را به آنها نمی‌دهد. در اینکه نرخ اشتغال زنان و نرخ موالید با یکدیگر رابطه معکوس دارند، تردیدی نیست ولی باید به این نکته هم توجه کرد که میزان باروری زنان، با معلومات آنها ارتباط دارد و سواد و معلومات زنان هم به میزان زیاد ارتباط به این دارد که آیا آنها مشغول به کاری هستند یا فقط در چارچوب خانه به سر می‌برند. برخی نیز معتقدند که هر چه احتمال ناسازگاری و طلاق در خانواده‌ها بالا برود میزان گرایش زنان به اشتغال بیشتر می‌شود. پژوهش‌ها درخواست طلاق از سوی زنان شاغل را بسیار بیشتر از درخواست طلاق از سوی زنان غیر شاغل نشان می‌دهد و استقلال اقتصادی زنان گاهی انگیزه مردان را نیز برای طلاق تقویت می‌کند. در واقع اشتغال زنان به معنای کلی خود باعث مشکل نمی‌شود بلکه مسائل پیرامون آن زمینه را برای ایجاد اختلاف و از هم پاشیدگی خانواده‌ها فراهم می‌کند. استقلال اقتصادی زن و کم شدن نیاز به همسر، آستانه تحمل‌پذیری زن را کاهش و میل به جدایی و طلاق را با فرض مشکلاتی در زندگی زناشویی افزایش می‌دهد (مقصودی و بستان، ۱۳۸۳، ۲۴۰). آمار نشان می‌دهد که فرزندان مادران شاغل نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار عزت‌نفس بیشتر و اختلالات رفتاری کمتری دارند، اعتمادبه‌نفس و نمرات درسی بهتری دارند، از خودکفایی بیشتری برخوردارند، سازگاری اجتماعی بیشتری دارند و تمایل بیشتری به کار کردن دارند. اشتغال زنان به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی بر تربیت کودکان آنان تأثیر می‌گذارد. مادران شاغل فرزندانی مسئولیت‌پذیر و مستقل تربیت می‌کنند.

تحقیقات نشان می‌دهد که اشتغال زنان می‌تواند باعث افزایش رضایتمندی زنان شده و اثرات مطلوبی بر روابط خانوادگی بر جای بگذارد و چنانچه درآمد خانواده از سوی هر دو زوج باشد باعث سهولت زندگی می‌شود. البته حمایت همسر از شاغل بودن زن تأثیر زیادی بر احساس رضایت زن دارد. معمولاً زنانی که کار می‌کنند قدرت چانه‌زنی بیشتری در عرصه‌ی خانواده دارند و به سبب پایگاه مالی که کسب کرده‌اند می‌توانند میزان خشونت‌های خانگی علیه خود را کاهش دهند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴). مطابق تحقیقات انجام یافته با افزایش اشتغال زنان، کیفیت زندگی آنها نیز افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق میرجلیلی و همکاران (۱۳۹۹) در این زمینه بیانگر این است که هرچه میزان درآمد زن در خانواده افزایش یابد، سطح کیفیت زندگی زنان نیز افزایش می‌یابد. دل‌پیشه و همکاران (۱۳۹۳) نیز مهم‌ترین دلایل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار را کمی سواد، وضعیت اقتصادی نامطلوب و داشتن بیماری‌های مزمن دانسته‌اند؛ به عبارتی دیگر میزان سواد، سلامت جسمی و روحی، وضعیت اقتصادی و درآمد زنان بر کیفیت زندگی آنان تأثیرگذار بوده است و تلویحاً مابین شاخص‌های کیفیت زندگی و اشتغال زنان رابطه وجود دارد. زنجانی و بیات (۱۳۸۹) نیز معتقدند؛ اشتغال تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی زنان دارد و فراهم نمودن زمینه‌هایی برای اشتغال بانوان باعث افزایش کیفیت زندگی و سلامت زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه خواهد بود. نتیجه

مطالعه گیوسان و آگایو (۲۰۲۰) در اسپانیا و نیز مطالعه منسارینی و وینگولی (۲۰۱۷) در ایتالیا نیز بیانگر وجود ارتباط مثبت بین اشتغال زنان و کیفیت زندگی آن‌ها می‌باشد. با توجه به مطالب مذکور به نظر می‌رسد یکی از عناصری که می‌تواند بر میزان مشارکت زنان اثرگذار باشد، کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات جذاب تبدیل شده است که توجه علاقه‌مندان و محققان زیادی را به خود جلب می‌کند. سال‌های اخیر برخی از محققان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی جامعه را ارزیابی کیفیت زندگی دانسته‌اند و تحقیقات مختلفی در زمینه رابطه کیفیت زندگی با متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی انجام یافته‌اند. از جمله در برخی از مطالعات رابطه کیفیت زندگی و اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفته، اما در حد جستجوی محققان مطالعات معدودی به بررسی تاثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان مشارکت زنان پرداخته‌اند. در اغلب پژوهش‌های انجام یافته عوامل موثر بر اشتغال زنان مورد مطالعه قرار گرفته و یا به بررسی اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند؛ در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.

مطالعات داخلی

هاشم زهی (۱۴۰۲) به تبیین نقش خانواده در اشتیاق به شغل و فعالیت در میان زنان سرپرست خانوارهای ایرانی قیامدشت به روش پیمایشی پرداخته و خیاطی، آرایشگری، قالبیافی، آشپزی، فروشندگی را از مهمترین زمینه‌های تمایل به اشتغال آنان معرفی کرده است. بر اساس نتایج بدست آمده، میان تحصیلات پدر، مادر، همچنین سن مناسب ازدواج دختران از نظر مادر با اشتیاق شغلی زنان ارتباط وجود دارد اما همبستگی میان، مدت زمان سکونت پدر و مادر در شهر تهران، سن مناسب برای ازدواج دختر از نظر پدر، بعد و هزینه‌های ماهیانه خانوار، منزلت شغلی پدر، انگیزه کار و موفقیت زنان با اشتیاق شغلی آنان تأیید نشد. هیچکدام از ویژگی‌های خانوادگی بر اشتیاق شغلی زنان اثری نداشت. تاکنون کمک‌های خیریه‌ای نیز به خارج کردن اغلب زنان از فقر کمکی نکرده است. توانمندسازی زنان نیازمند تحول در تمام نهادهای مرتبط است. برای کاهش مشکلات زنان باید کارآفرینی و ایجاد اشتغال در اولویت قرار گیرد.

نظری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر کیفیت اشتغال زنان بر کیفیت زندگی در زنان شاغل تهرانی پرداخته‌اند. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه بود. یافته‌ها بیانگر این است که کیفیت اشتغال زنان بر سلامت جسمی، سلامت روانی و رضایت از زندگی تأثیر معنی دار و مثبت دارد.

خوش‌فر و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی و رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهرستان‌های خراسان شمالی پرداخته و یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی جامعه را ارزیابی کیفیت زندگی دانسته‌اند و معتقدند

¹. Mencarini and Vingoli

در ایران و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری آن به موضوع کیفیت زندگی توجه بسیار اندکی شده است. آنها با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون مدل تصمیم‌گیری چند معیاره ویکور به تعیین سلسله مراتب کیفیت زندگی شهرستان‌های هشت‌گانه استان مرزی خراسان شمالی پرداخته‌اند. نتایج حاصله بیانگر آن است که سطح کیفیت زندگی طبق ارزیابی شاخص‌های منتخب در شهرستان‌های مورد مطالعه بسیار ناعادلانه و نابرابر بوده است.

میرجلیلی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر درآمد بر کیفیت زندگی زنان در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷ بین ۱۵۰ نفر از کارکنان زن دانشگاه زنجان با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی در محدوده زمانی سال ۱۳۹۶-۹۷ پرداختند. نتایج بررسی‌ها نشان داد هرچه میزان درآمد زن در خانواده افزایش یابد، سطح کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد.

پوررضا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر اشتغال رسمی و غیررسمی زنان بر کیفیت زندگی آنان در شهر تهران پرداخته‌اند. آنها به روش توصیفی-تحلیلی در مقطع زمانی دی‌ماه سال ۱۳۹۵ تا مرداد ۱۳۹۶ بر روی ۱۱۲ زن شاغل رسمی و به همین تعداد زن شاغل غیررسمی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، مطالعه کرده‌اند. برای بررسی کیفیت زندگی زنان، از پرسشنامه استاندارد SF-36 به عنوان یک ابزار معتبر برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی افراد استفاده شد و از آزمون‌های آماری من-ویتنی و تی مستقل استفاده گردید. داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ وارد شدند. نتایج یافته‌ها نشان داد که میانگین امتیاز کیفیت زندگی در زنان شاغل در بخش رسمی $78/95 \pm 13/6$ نسبت به زنان شاغل در بخش غیررسمی $84/77 \pm 10/21$ در سطح بالاتری قرار داشت. همچنین با توجه به رشد روزافزون بخش غیررسمی به علت مسائل اجتماعی و اقتصادی، زنان شاغل در بخش غیررسمی نیز افزایش پیدا کردند و از جمله مشکلات بخش غیررسمی؛ نبود حقوق مکفی، نداشتن بیمه و غیره بوده، از طرفی نظارت و دخالت دولت در بخش غیررسمی به وسیله وضع قوانین یکی از راه‌های اجرایی برای رفع مشکلات زنان شاغل در بخش غیررسمی کشور می‌باشد.

دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵) به بررسی عوامل موثر بر اشتغال زنان با تاکید بر بهره‌گیری از ICT (فناوری اطلاعات و ارتباطات) در ۲۰ کشور منتخب OECD در بازه‌ی زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ با استفاده از مدل داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج برآورد نشان می‌دهد که ICT اثر مثبت و معنی‌داری بر اشتغال زنان در کشورهای مورد بررسی داشته است. همچنین متغیرهای مخارج سلامت و بهداشت، تولید ناخالص داخلی سرانه و مخارج آموزش نیز اثر مثبت و معنی‌دار بر اشتغال زنان داشته‌اند.

ترکمن و فتحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به مطالعه آثار اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنها پرداخته‌اند. آنها در چارچوب روش پیمایش از بین ۲۸۴ نفر از زنان شاغل در وزارت علوم، پژوهش و فناوری، ۱۶۳ نفر بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران، انتخاب و پرسشنامه در میان آنان توزیع شد. برای

آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که رضایت شغلی، مقدار حقوق، سن و وضعیت تاهل بر مقدار کیفیت زندگی زنان شاغل مورد مطالعه تاثیر داشته است. در واقع، افرادی که از رضایت شغلی و مقدار حقوق بالاتری برخوردار بودند، افراد در رده سنی ۲۵-۳۴ و افراد مجرد از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. رویهم رفته، افراد مورد مطالعه از کیفیت زندگی متوسطی برخوردار بودند و در واقع اشتغال زنان تاثیری مخرب بر کیفیت زندگی آنها نداشته است. عنابتانی و همکاران (۱۳۹۵) با به‌کارگیری روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تحلیل فضایی به شناسایی شاخص‌های تأثیرگذار متغیر کیفیت زندگی بر کیفیت مسکن بخش «شاندیز» پرداخته‌اند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران و خطای ۰/۰۶۵ درصد برای خانوارهای روستاهای نمونه برابر ۲۱۷ نفر بود. آنها متغیر کیفیت زندگی با ۱۰ شاخص و ۳ بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و متغیر کیفیت مسکن با ۱۰ شاخص و ۴ بعد کالبدی، زیست‌محیطی، معیشت و اقتصاد و آسایش و رفاه انتخاب کردند. اطلاعات برگرفته از پرسش‌نامه‌های مدنظر با روش‌های تجزیه و تحلیل آماری در محیط نرم‌افزار SPSS و انجام تحلیل مسیر با نرم‌افزار EQS بررسی شدند. طبق نتایج پژوهش که با آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون حاصل شدند، از بین ابعاد کیفیت زندگی، تنها بعد اجتماعی با متغیر کیفیت مسکن و نیز بعد معیشت و اقتصاد در متغیر کیفیت مسکن با متغیر کیفیت زندگی رابطه معنادار ندارند و سایر ابعاد با متغیرهای پژوهش رابطه معنادار دارند. همچنین از بین ۱۰ شاخص متغیر کیفیت زندگی، ۵ شاخص عدالت اقتصادی، رضایت از دسترسی، بهزیستی فردی، کیفیت محیط و مسکن وارد الگو شدند و ۴۶ درصد تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کردند.

پورمحمدی و ولی‌بیگی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تعامل نماگرهای مختلف کیفیت زندگی و ضریب تاثیر این شاخص‌ها بر توسعه منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها در میان استان‌های ایران پرداخته‌اند. بر این اساس شاخص توسعه انسانی و ابعاد مربوطه به همراه پنج شاخص شامل نرخ اشتغال، میزان مشارکت اقتصادی، دسترسی به آب سالم شهری و روستایی و درآمد متوسط خانوار شهری در طول دوره ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به عنوان شاخص‌های پایه جهت سنجش کیفیت زندگی و رشد اقتصاد منطقه‌ای در میان استان‌ها به عنوان نماینده توسعه منطقه‌ای انتخاب شدند. بعد از ایجاد پایگاه داده لازم برای هر کدام از شاخص‌ها و بررسی توصیفی از وضعیت کیفیت زندگی، بحث همگرایی منطقه‌ای و تاثیر شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی بر همگرایی میان استان‌های برخوردار و محروم با استفاده از تحلیل‌های همگرایی بتا و سیگما مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله بیان می‌دارند که به طور کلی رتبه‌بندی بین استانها برحسب کیفیت زندگی آنچنان تغییری نکرده است اما شاخص‌های کیفیت زندگی افزایش را نشان می‌دهند و همگرایی نسبی هم در تحلیل‌های بتا و هم سیگما (به استثنای شاخص اشتغال و مشارکت اقتصادی)

مشاهده می‌شود. به عبارتی اگر چه هنوز نابرابری میان استان‌ها وجود دارد اما کیفیت زندگی در میان تمام استان‌ها افزایش داشته است اگر چه این حرکت در شاخص‌های مختلف و ضریب تاثیر آنها بر توسعه منطقه‌ای متفاوت بوده است.

آرمن و همکاران (۱۳۹۴) تاثیر ICT را بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در بازه ی زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ در منتخبی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جهان مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان داد که توسعه ICT باعث افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار می شود که این امر باعث کاهش نابرابری جنسیتی می‌شود.

دل‌پیشه و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای ارتباط کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار را با وضعیت اقتصادی-اجتماعی آنان بررسی کرده اند. مطالعه آن‌ها از نوع مقطعی-تحلیلی و جامعه پژوهش شامل کلیه زنان تحت پوشش سازمان بهزیستی استان ایلام بود. ابزار جمع‌آوری داده در این مطالعه شامل پرسشنامه-های اطلاعات دموگرافیک و کیفیت زندگی SF-36 بود. بر اساس نتایج مهمترین دلایل تاثیرگذار بر کیفیت زندگی در زنان سرپرست خانوار کمی سواد، وضعیت اقتصادی نامطلوب و داشتن بیماری‌های مزمن بود.

رفعت‌جاء و خیرخواه (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی مسائل و چالش‌های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست‌های مدیریتی پرداخته اند. روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) بوده و داده‌ها با پرسشنامه و مصاحبه گردآوری شده است. بر اساس یافته‌ها همه‌ی مدیران به اهمیت اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی اشتغال زنان باور داشتند. اما زنان بر ضرورت اقتصادی و مردان بر ضرورت اجتماعی اشتغال زن تأکید بیشتری داشتند. همچنین نظر غالب مدیران این بود که اشتغال زنان هم خود آنان و هم جامعه را منتفع می‌سازد، از این رو شایسته است موانع ساختاری و فرهنگی اشتغال آنان رفع و شرایط مناسب برای اشتغال بهینه‌ی آنان فراهم شود.

محمد نوربخش و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تاثیر اشتغال بر کیفیت زندگی کاری کارکنان شرکت توزیع برق استان گیلان پرداخته و از مدل والتون در این راستا استفاده کرده‌اند. جامعه آماری این تحقیق ۱۷۰ نفر از کارکنان شرکت توزیع برق استان گیلان بوده است. داده‌های این تحقیق پس از جمع‌آوری از طریق پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش آمار استنباطی با استفاده از آزمون t-test دو طرفه داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر پایه نتایج حاصل از تحقیق، رابطه معناداری میان بخش شغلی با ظرفیت‌های نیروی انسانی وجود ندارد.

زنجانی و بیات (۱۳۸۹) تاثیر اشتغال بر کیفیت زندگی زنان ساکن مشهد را در سال ۱۳۸۸ با استفاده از جامعه آماری ۳۲۰ زن شاغل و غیر شاغل با دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال بررسی کرده‌اند. در میان ۸ بعد

کیفیت زندگی زنان مورد مطالعه در بعد عملکرد جسمی با میانگین ۸۷ بیشترین نمره و در بعد مشکلات روحی با میانگین ۵۷/۳ کم ترین نمره را داشتند. مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و غیرشاغل نشان داد در تمام ابعاد کیفیت زندگی، زنان شاغل میانگین نمره بیشتری نسبت به زنان غیر شاغل کسب نموده بودند که این تفاوت در دو بعد نشاط و سلامت روانی معنادار بود. براساس نتایج این پژوهش اشتغال تاثیر مثبتی بر کیفیت زندگی زنان دارد. بنابراین فراهم نمودن زمینه‌هایی برای اشتغال بانوان باعث افزایش کیفیت زندگی و سلامت زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه خواهد بود.

جواهری و همکاران (۱۳۸۹) با تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان، در قالب روش پیمایش ۲۳۴ نفر از زنان شاغل در واحدهای ستادی وزارت جهادکشاورزی بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین معرف‌های مختلف وضعیت شغلی؛ تنوع‌پذیری و تناسب شغل با مهارت و تخصص، با کیفیت زندگی رابطه مثبت دارد. در واقع افرادی که از وضعیت شغلی مناسب‌تری برخوردار هستند، کیفیت زندگی مناسب‌تری هم دارند. همچنین رابطه میان خوشنودی شغلی و کیفیت زندگی زنان نیز تایید شد.

نامدار (۱۳۸۹) در مقاله‌ای عوامل موثر بر اشتغال زنان را با ورود فناوری‌های نوین به عرصه اقتصاد روستایی مطالعه کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که کاربرد فناوری‌های نوین سبب کاهش نقش فعال زنان در عرصه تولید می‌شود. همچنین عواملی مانند وضعیت اشتغال، میزان درآمد خانوار، تعداد فرزندان، سطح سواد زنان و نبود فرصت‌های شغلی در روستا بیشترین تاثیر را روی اشتغال زنان بر جای گذاشته‌اند. دیزجی و همکاران (۱۳۸۹) تاثیر آزادسازی تجاری را بر اشتغال و رفاه زنان با استفاده از داده‌های ۷۴ کشور منتخب جهان و بر اساس روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۰ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری امید به زندگی زنان را بهبود نمی‌بخشد. همچنین آزادسازی تجاری دسترسی زنان به آموزش‌های ابتدایی را افزایش و آموزش‌های دبیرستانی را کاهش می‌دهد و نیز اشتغال زنان را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کاهش می‌دهد.

مطالعات خارجی

گیوسان و آگایو (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه اشتغال و کیفیت زندگی زنان در اسپانیا با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۸ پرداختند. نتایج نشان داد بحران سال ۲۰۰۷، همراه با فقدان سیاست‌های اقتصادی کافی برای حمایت از صنعت اسپانیا، هم از سوی اتحادیه اروپا و هم از سوی دولت

¹. Guisan and Aguayo

های اسپانیا، باعث کاهش ارزش افزوده واقعی سرانه صنعت و رکود یا رکود شده است. همچنین نتایج بررسی‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت بین اشتغال زنان و کیفیت زندگی آن‌ها می‌باشد.

نیه و همکاران^۱ (۲۰۱۷) اثرات شیوه‌های مدیریت منابع انسانی مسئولانه بر اهداف شغلی کارکنان زن را بررسی کرده‌اند. این مطالعه بر تأثیرات مدیریت منابع انسانی مسئول (SR-HRM) بر روی اهداف شغلی کارکنان زن و تأثیر تعدیل‌کننده جنسیتی سرپرست بر این رابطه تمرکز دارد. با یک نمونه از ۲۱۲ کارمند زن از هشت صنایع مختلف در فنلاند، نتایج نشان می‌دهد که شیوه‌های مدیریت منابع انسانی که از فرصت‌های شغلی شایسته برخوردارند و ادغام کار و خانواده نقش مهمی را در کاهش میزان اشتغال زنان ایفا می‌کنند. این مطالعه تلاش کرده است تا به گفتمان علمی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با برجسته کردن تأثیر عوامل تعیین‌کننده HRM در سطح سازمان بر نتایج منحصر به فرد، بیافزاید. یافته‌های نشان می‌دهد که اقدامات سازمانی که از ادغام کار و خانواده پشتیبانی می‌کنند، باید جدی گرفته شود تا میزان نیت اشتغال کارکنان زن را کاهش دهد.

پاسنا و پلاگنول^۲ (۲۰۱۷) به بررسی کیفیت کار زنان در سراسر مراحل زندگی خانوادگی با تجزیه و تحلیل کارکنان زن در ۲۷ کشور اروپایی پرداخته‌اند. بر این اساس، انتظار می‌رود که مادران کودکان کوچک، در صورت مشارکت، شغل نسبتاً با کیفیت بهتری داشته باشند. در این مطالعه چهار بعد کیفیت شغلی، امنیت شغلی، پیشرفت شغلی، زمان کار و کیفیت شغلی ذاتی بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهد که مادران با تعداد کودکان کمتر، احتمال بیشتری دارند که شغلی با کیفیت بالا داشته باشند نسبت به زنانی که در مراحل دیگر زندگی با توجه به کیفیت کار در زمان کار و امنیت شغلی قرار دارند. همچنین با وجود تفاوت در کشورهای مختلف برای امنیت شغلی. همچنین اهمیت شغل‌های با کیفیت بالا برای تصمیم‌گیری‌های باروری زنان و دل‌بستگی بازار کار پس از زایمان با پیامدهای سیاست‌های اشتغال اروپایی مشخص می‌شود.

منسارینی و وینگولی^۳ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آن‌ها در ایتالیا در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که اشتغال زنان تأثیر مثبتی بر ثبات کیفیت زندگی آن‌ها و ثبات و استحکام خانواده ندارد و کار مشارکت زنان در صورتی که مشارکت مردان در کار بدون حقوق محدود شود، به ثبات و استحکام خانواده آسیب می‌رساند.

حیاتی و جعفری^۴ (۲۰۱۵) در تحقیقی نقش اشتغال زنان را در سلامتی اجتماعی خانواده‌ها در مناطق ۱، ۲ و ۱۹ تهران را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین اشتغال زنان و

^۱. Nie et al.

^۲. Piasna and Plagnol

^۳. Mencarini and Vingoli

^۴. Hayati and Jafari

سلامتی خانواده‌ها وجود دارد. همچنین بین اشتغال و انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

بوسمن (۲۰۰۹) به بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر رفاه و زندگی کاری زنان ۱۳۴ کشور جهان طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۰ پرداخته و با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری مستقیماً انتظارات زنان را بهبود نمی‌بخشد ولی زندگی کاری آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طوری که آزادسازی تجاری در کشورهای توسعه‌یافته موجب افزایش اشتغال زنان در بخش خدمات و در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش اشتغال زنان در بخش‌های صنعت و کشاورزی می‌شود.

مارچانته و اورتگا (۲۰۰۶) به مطالعه رابطه کیفیت زندگی و همگرایی اقتصادی در بین مناطق اسپانیا پرداخته‌اند و رفاه منطقه‌ای در بین مناطق اسپانیا را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نتایج مطالعات آنها نشان می‌دهد درحالی که نابرابری‌های ارزش افزوده ناخالص سرانه ثابت باقیمانده است، همگرایی در پنج شاخص کیفیت زندگی مورد بررسی در این تحقیق به دست آمده است.

با توجه به مباحث نظری، برخی از محققان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی جامعه را ارزیابی کیفیت زندگی دانسته‌اند. همچنین صاحب‌نظران و پژوهشگران قلمروهای مختلف و متفاوتی از کیفیت زندگی را بررسی و ابعاد فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سلامت و زیست محیطی را مطرح کرده‌اند. واحد اطلاعاتی اکونومیست در سال ۲۰۰۵ شاخص کیفیت زندگی را شامل مولفه‌هایی چون قدرت خرید مصرف کننده، هزینه زندگی، نسبت قیمت مسکن به درآمد افراد، امنیت، خدمات بهداشتی، شاخص ترافیک، شاخص آلودگی و شاخص آب و هوا معرفی کرده است. در این مطالعه درآمد سرانه، میزان باسوادی، امید به زندگی، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان شاخص کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در مطالعات مذکور اشاره شد، عوامل مختلف تاثیرگذار بر اشتغال زنان مورد توجه قرار گرفته‌اند یا اغلب مطالعات به بررسی تاثیر اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند. اما پژوهش‌چندانی در مورد تاثیر کیفیت زندگی بر اشتغال زنان انجام نشده است، بنابراین با لحاظ مباحث نظری و انتخاب شاخص‌هایی برای کیفیت زندگی، تحقیق حاضر انجام گرفته است. از جمله اهداف این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

هدف اصلی تحقیق: تعیین تاثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان اشتغال زنان ایران می‌باشد و اهداف فرعی به صورت زیر است:

- تعیین تاثیر درآمد سرانه بر اشتغال زنان ایران

¹. Bussmann

². Marchante and Ortega

- تعیین تاثیر میزان باسوادى زنان بر اشتغال زنان ایران
- تعیین تاثیر میزان امید به زندگى بر اشتغال زنان ایران
- تعیین تاثیر میزان دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال زنان ایران
- همچنین فرضیه‌های اصلی و فرعى پژوهش به صورت زیر تعریف شده اند:
- شاخص کیفیت زندگى بر میزان اشتغال زنان ایران تاثیر دارد.
- درآمد سرانه بر اشتغال زنان ایران تاثیر دارد.
- میزان باسوادى زنان بر اشتغال زنان ایران تاثیر دارد.
- میزان امید به زندگى بر اشتغال زنان ایران تاثیر دارد.
- دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال زنان ایران تاثیر دارد.

روش شناسی و نتایج برآورد مدل تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع علی-تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه ایران بوده و دوره‌ی زمانی استفاده شده در این تحقیق سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹ است. در این قسمت با بهره‌گیری از پیشینه تحقیق و مطالعات مختلف مدل تحقیق معرفی می‌شود. در تحقیق حاضر برای تخمین مدل از روش‌های اقتصادسنجی؛ روش خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و نرم افزار میکروفیت استفاده شده است. اطلاعات مربوط به متغیرها بصورت آمار سری زمانی از داده‌های جداول آماری سایت بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع آوری شده و تصریح مدل نیز با الهام از مطالعات بوسمن (۲۰۰۹) و دیزجی و همکاران (۱۳۸۹) به صورت زیر می‌باشد:

$$LWEMP_i = \beta_0 + \beta_1 L(INCOMECAP) + \beta_2 L(LITER_i) + \beta_3 L(LIFEP_i) + \beta_4 L(ICT_i) + e_i(1)$$

در رابطه بالا WEMP، بیانگر میزان اشتغال زنان، INCOMECAP، بیانگر درآمد سرانه، LITER، بیانگر میزان باسوادى زنان، LIFEP، بیانگر امید به زندگى، ICT بیانگر میزان دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و L بیانگر لگاریتم می‌باشد. هدف این تحقیق بررسی تاثیر شاخص کیفیت زندگى بر میزان مشارکت زنان در بازار کار ایران بوده که با لحاظ مبانی نظری و همچنین با لحاظ الزامات اقتصادسنجی در تخمین مدل (روش ARDL) متغیرهای درآمد سرانه، میزان باسوادى، امید به زندگى و فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان نماینده شاخص کیفیت زندگى انتخاب شده اند.

لازم به توضیح می باشد که همه متغیرها بصورت لگاریتمی در مدل استفاده شده‌اند. همچنین میزان اشتغال زنان کشور بر حسب نسبت جمعیت زنان فعال بالای ۱۵ سال به کل جمعیت بوده، درآمد سرانه بیانگر توانایی درآمدی و قدرت اقتصادی، میزان باسوادى زنان نمایانگر میزان تحصیلات، امید به زندگى شاخصی

برای بیان سلامت و بهداشت منظور شده و شاخص دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات بصورت تعداد کاربران اینترنت کشور مورد استفاده قرار گرفته است.

درآمد پولی است که یک فرد یا یک شرکت در بازه زمانی مشخص از محل کالاها یا خدماتی که برای دیگران فراهم کرده یا سرمایه گذاری‌هایی که داشته است، به دست می‌آورد. معمولاً درآمد برای تأمین مخارج روزانه مصرف می‌شود. درآمد از طریق ضرب قیمت فروش کالاها و خدمات در تعداد واحدها یا مقدار فروخته شده محاسبه می‌گردد. در خصوص تعریف عملیاتی در خصوص درآمد سرانه نیز می‌توان گفت متغیر درآمد سرانه از تقسیم درآمد ملی بر جمعیت هر کشور بدست می‌آید و بر حسب دلار ثابت می‌باشد. همچنین می‌توان گفت درآمد سرانه می‌تواند ارتباط مستقیمی با اشتغال داشته باشد، به طوری که با افزایش درآمد سرانه در کشور می‌توان شاهد ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال‌زایی در کشور بود.

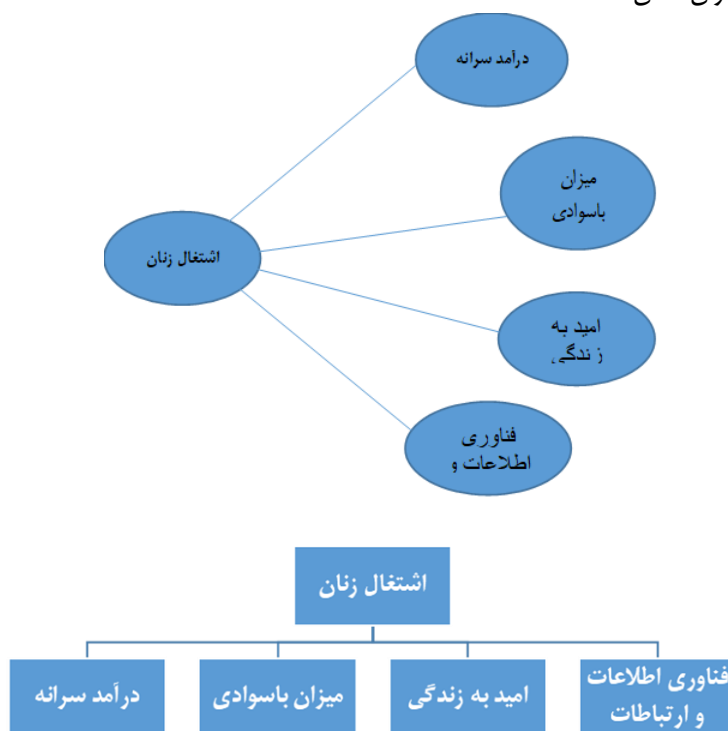
در تعریف سنتی سواد، توانایی خواندن و نوشتن است یا توانایی به کاربردن زبان برای خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن ولی در مفهوم نوین این واژه به سطحی از خواندن و نوشتن گفته می‌شود که برای ارتباط کافی است. اما سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) باسواد را توانایی شناخت، درک، تفسیر، ساخت، برقراری ارتباط و محاسبه در استفاده از موارد چاپ‌شده و نوشته‌شده مربوط به زمینه‌های گوناگون معرفی می‌کند. در تعریف عملیاتی میزان باسواد به صورت میانگین سال-های تحصیل تا دوره متوسطه تعریف می‌شود. میزان با سواد جامعه با سطح اشتغال آن می‌تواند رابطه مستقیمی داشته باشد. تجربه نشان داده است نیروی انسانی با سواد و با کیفیت این امکان را دارد تا سریع‌تر وارد بازار کار شود.

متوسط طول عمر یا میانگین عمر افراد یک جامعه به‌طور میانگین نشان می‌دهد که چقدر عمر می‌کنند، یا به عبارت دیگر، انتظار می‌رود چقدر عمر کنند. در تعریف عملیاتی این متغیر هم میانگین سال‌های زندگی افراد به عنوان شاخص امید به زندگی تعریف شده است. وجود رابطه مثبت بین امید به زندگی و اشتغال هم مورد تایید مطالعات است. هر چقدر انسان امید به زندگی بیشتری داشته باشد می‌توان انتظار داشت که مشغول فعالیت و درآمدزایی شود.

فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به جایگاه برجسته اطلاعات، دستگاه‌های ذخیره‌سازی و پردازش اطلاعات و دستگاه‌های انتقال و دستیابی به اطلاعات تاکید دارد و به مجموعه فناوری‌هایی که امکان ذخیره‌سازی، پردازش، ارائه و انتقال اطلاعات را از طریق محیط‌های انتقال فراهم می‌نماید، اطلاق می‌گردد. مهم‌ترین ویژگی فناوری اطلاعات و ارتباطات، نحوه ذخیره‌سازی، پردازش و دستیابی به اطلاعات است. در خصوص تعریف عملیاتی نیز می‌توان گفت این شاخص بصورت تعداد کاربران اینترنت کشور تعریف

¹. UNESCO

می‌شود. در سال های اخیر بکارگیری ICT (فناوری اطلاعات و ارتباطات) ابعاد مختلف زندگی بشری را متاثر ساخته و تحولات شگرفی را در بعد اقتصادی و اجتماعی به وجود آورده است. ICT آثار گسترده‌ای بر نوع ساختار کار و اشتغال دارد که در همه‌ی سطوح، اشتغال را دست خوش تغییر و تحولات زیادی کرده است. این فناوری بر ساختار مشاغل نیز تاثیر گذاشته و ماهیت مشاغل در جوامع را از طریق کاهش متوسط سختی کار، فکری تر شدن، ناپایدارتر شدن و تخصصی تر شدن مشاغل، متحول کرده است. تجربیات و مشاهدات مختلف حاکی از آن است که همگام با استخدام تکنولوژی های پیچیده و سرمایه بر، تقاضا برای نیروی کار ماهر و تحصیل کرده بالا می رود. از طرفی دیگر در خصوص ICT بسیاری از مطالعات تاکید دارند وجود تکنولوژی و ورود آن به عرصه تولید می‌تواند تاثیر معکوسی بر روند اشتغال نیروی انسانی داشته باشد که در اصطلاح به این نوع از بیکار شدن نیروی انسانی، بیکاری تکنولوژیکی می‌گویند که از طریق استفاده از ماشین‌آلات و فناوری در پروسه تولید به وجود می‌آید. با توجه به مطالب مذکور مدل مفهومی را به شکل زیر می‌توان نشان داد:



نمودار (۲). مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اصول و مبانی اقتصادسنجی برای برآورد مدل تحقیق از الگوی خود توضیح برداری با وقفه های توزیعی (ARDL)^۱ که توسط پسران و شین و همکاران (۱۹۹۶)^۲ توسعه یافته، استفاده می شود. این روش مزیت هایی نسبت به روش هم انباشتگی انگل - گرنجر دارد از جمله آن که در حجم نمونه های کوچک برآوردهای حاصل از این روش تورش دار است. از سویی توزیع حدی برآوردهای حداقل مربعات غیر نرمال است بنابراین انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره های معمول بی اعتبار است. همچنین روش انگل - گرنجر بر پیش فرض وجود یک بردار هم انباشتگی استوار است و تحت شرایطی که بیش از یک بردار هم انباشتگی وجود داشته باشد استفاده از این روش منجر به عدم کارایی خواهد شد. با وجود این محدودیت ها در استفاده از روش انگل - گرنجر، می توان روش های دیگری مانند روش خود توضیح برداری با وقفه های گسترده را مورد استفاده قرار داد که این محدودیت ها را برطرف می کند. همچنین وجود هم انباشتگی بین مجموعه ای از متغیرهای اقتصادی، مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا (ECM)^۳ را فراهم می کند. عمده ترین دلیل شهرت این الگوها آن است که نوسانات کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت ارتباط می دهد. این مدل ها در واقع نوعی از مدل های تعدیل جزئی اند که در آن ها با وارد کردن پسماند پایا از یک رابطه بلندمدت، نیروهای موثر در کوتاه مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت اندازه گیری می شوند (تشکینی، ۱۳۸۴). در ادامه مراحل مختلف تخمین الگوی مذکور همراه با تفسیر نتایج بدست آمده از خروجی نرم افزار بیان می شود.

آزمون پایایی

قبل از پرداختن به آزمون پایایی متذکر می شود که روش تحقیق حاضر از نوع علی - تحلیلی است. جامعه آماری مورد مطالعه ایران بوده و دوره ی زمانی استفاده شده در این تحقیق سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹ است. در این قسمت با بهره گیری از پیشینه تحقیق و مطالعات مختلف مدل تحقیق معرفی می شود. در تحقیق حاضر برای تخمین مدل از روش های اقتصادسنجی؛ روش خودتوضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL) و نرم افزار میکروفیت استفاده شده است. اطلاعات مربوط به متغیرها بصورت آمار سری زمانی از داده های جداول آماری سایت بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع آوری شده است. یکی از روش هایی که می توان از ایجاد رگرسیون کاذب جلوگیری کرد، اطمینان از پایایی متغیرهاست. قبل از تخمین مدل تحقیق، برای بررسی پایایی متغیرهای مورد بررسی در سری های زمانی آزمون های مختلفی

^۱. Auto Regressive Distributed Lag Method

^۲. Pesaran & Shin - pesaran et al.

^۳. Error Correction Model

وجود دارد. یکی از سودمندترین آزمون‌ها در این زمینه آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ است. چنانچه شرط پایایی (سکون)، آزمون ریشه واحد باشد، سری پایاست. در این آزمون فرض صفر دلیل بر عدم پایایی است و حالت مطلوب زمانی اتفاق می‌افتد که فرض صفر رد شود یعنی فرض صفر آزمون دیکی فولر، آزمون ریشه واحد تایید شود. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته در حالت با عرض از مبدا و روند در جدول (۱) نمایش داده شده است.

جدول (۱). آزمون ریشه‌ی واحد دیکی - فولر در حالت عرض از مبدا و روند (یافته‌های تحقیق)

متغیر	آماره t	احتمال	وضعیت
WEMP	-۶/۴۱۳۴	۰/۰۰۰۰	پایا
INMECAP	-۳/۹۸۹۰	۰/۰۳۳۷	پایا
LITER	-۲/۴۴۵۶	۰/۴۰۹۹	ناپایا
DLITER	-۵/۹۰۷۸	۰/۰۰۰۰	پایا
LIFEP	-۳/۸۸۳۵	۰/۰۲۸۴	پایا
ICT	-۳/۱۶۲۶	۰/۱۱۱۰	ناپایا
DICT	-۶/۱۹۶۱	۰/۰۰۰۱	پایا

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول (۱) می‌توان گفت متغیرهای اشتغال زنان، درآمد سرانه، امید به زندگی در سطح پایا هستند. سایر متغیرها نیز هم با یک بار تفاضل گیری پایا شده‌اند (متغیرهایی که در سطح پایا نبودند و یا یک تفاضل پایا شده‌اند در جدول با علامت D در ابتدای آن متغیر آورده شده است). بعد از اطمینان از پایایی متغیرها به تخمین نتایج کوتاه‌مدت مدل پرداخته می‌شود.

بررسی نتایج کوتاه مدت متغیرهای مدل

نتایج تفصیلی رابطه کوتاه‌مدت متغیرهای مدل مورد بررسی در جدول (۲) مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که حداکثر وقفه انتخابی مدل، برابر ۱ بوده و این مسئله با معیار شوارتز^۲ بیزین تعیین شده است.

جدول (۲). نتایج کوتاه مدت متغیرهای مورد بررسی با بهره‌گیری از مدل ARDL (یافته‌های تحقیق)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره‌ی t	احتمال
WEMP(-1)	-۰/۵۴۳۲	۰/۰۸۴۱۲	۶/۴۵۷۷	۰/۰۰۰
INMECAP	-۰/۰۲۹۵	۰/۰۲۰۲	۱/۴۵۸۱	۰/۱۵۶

^۱. Augmented Dicky Fuller

LITER	۰/۰۶۳۶	۰/۰۲۷۹	۲/۲۸۰۱	۰/۰۳۰
LIFEP	۰/۸۱۰۲	۰/۰۰۷۹	۱۰/۱۸۳۱	۰/۰۰۰
ICT	-۰/۱۰۵۷	۰/۰۶۴۰	-۱/۶۵۱۱	۰/۱۱۰
DW=۱/۷۸	F=۷۵/۹۰۸۷	R ^{bar} 2=۰/۸۸۰۴	R ² =۰/۸۹۱۲	

همان طور که از نتایج بر می آید می توان گفت مقدار ضریب تعیین مدل برابر با ۰/۸۹ است که این موضوع قدرت بالای توضیح دهنده گی مدل و متغیرهای مورد بررسی را نشان می دهد. همچنین بر اساس آماره کل مدل برآورد شده از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد آماره F معنی دار است و بیانگر تاثیر متغیرها بر الگو است. در مدل مورد بررسی نیز خودهمبستگی بین متغیرها دیده نمی شود و مقدار آماره دوربین واتسون نیز فرض خود همبستگی را رد می کند.

ضریب برآورد شده برای متغیر اشتغال زنان با یک وقفه زمانی برابر ۰/۵۴ است. به عبارتی چنانچه اشتغال زنان با یک وقفه توسط مدل تصریح شده بیان گردد به ازای افزایش ۱ درصدی آن، اشتغال زنان در سال بعدی به اندازه ۰/۵۴ درصد افزایش می یابد. ضریب برآورد شده برای متغیر میزان باسوادی برابر ۰/۰۲ است. به عبارتی به ازای افزایش ۱ درصدی میزان باسوادی، اشتغال زنان به اندازه ۰/۰۲ درصد افزایش می یابد. ضریب برآورد شده برای متغیر میزان امید به زندگی برابر ۰/۸۱ است. به عبارتی چنانچه میزان امید به زندگی به ازای ۱ درصد افزایش یابد، اشتغال زنان به اندازه ۰/۸۱ درصد افزایش می یابد. ضریب برآورد شده برای متغیر میزان فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برابر ۰/۱۰- است. به عبارتی چنانچه میزان فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط مدل تصریح شده بیان گردد به ازای افزایش ۱ درصدی آن، اشتغال زنان به اندازه ۱۰ درصد کاهش می یابد. اما ضرایب برآورد شده برای متغیرهای درآمد سرانه و میزان فناوری اطلاعات و ارتباطات در کوتاه مدت از لحاظ آماری معنی دار نیستند. در ادامه برای اطمینان از اعتبار نتایج کوتاه مدت مدل برآوردی به بررسی آزمون های تشخیصی پرداخته می شود.

بررسی نتایج آزمون های تشخیصی

در الگوی ARDL می بایست نتایج آزمون های تشخیصی نیز بررسی شوند. به همین منظور نتایج این آزمون ها در جدول (۳) نمایش داده می شود.

جدول (۳). نتایج حاصل از نتایج آزمون های تشخیصی (یافته های تحقیق)

آزمون	نسخه LM (CHSQ)	احتمال	نسخه F	احتمال
خود همبستگی	۱/۰۲۰۹	۰/۳۱۲	۰/۷۱۸۹۷	۰/۴۰۷

فرم تبعی	۱/۵۱۱۷	۰/۳۱۹	۱/۰۸۴۳	۰/۳۱۱
نرمال بودن مدل	۴/۹۰۰۳	۰/۰۸۶	-	-
ناهمسانی واریانس	۲/۴۵۶۶	۰/۱۱۷	۲/۵۰۰۵	۰/۱۲۶

همان طور که در جدول (۳) نمایش داده شده است، هر یک از فروض مطرح شده هنگامی تایید می‌شوند که مقدار احتمال بدست آمده بزرگتر از ۰/۰۵ باشد. به همین دلیل با توجه به نتایج حاصل شده می‌توان گفت که مدل از لحاظ خود همبستگی، فرم تبعی، نرمال بودن و ناهمسانی واریانس مشکلی ندارد. بنابراین فروض کلاسیک مورد بررسی مدل تایید می‌شوند. در ادامه به برآورد مدل در بلندمدت پرداخته می‌شود. اما قبل از برآورد مدل در بلندمدت باید از وجود رابطه‌ی بلندمدت مطمئن شد؛ بنابراین بر اساس توضیحات زیر مقدار دلادو مستر محاسبه شده و مقدار آن با مقدار بحرانی بنرجی و دولادو مستر مقایسه می‌شود.

وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل

در مدل ARDL برای اینکه بتوان مدل مورد بررسی را در بازه‌ی زمانی بلندمدت تخمین زد، می‌بایست رابطه بلندمدت آن در ابتدا بررسی شود تا بتوان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. حال اگر نتیجه بررسی به صورتی باشد که این رابطه تایید نشود، نمی‌توان رابطه بلندمدت را بررسی کرد. به همین منظور برای بررسی این رابطه دو روش وجود دارد. یک روش استفاده از آزمون باند و دیگری استفاده از مقدار دلادو مستر می‌باشد. در روش دوم مجموع ضرایب متغیر وابسته که به صورت وقفه‌دار در خروجی نرم افزار داده می‌شود را از عدد یک کم کرده و بر مجموع انحراف معیار آنها تقسیم می‌کنیم. اگر مقدار قدرمطلق عدد حاصله از مقدار بحرانی بنرجی دولادو و مستر بیشتر شد وجود رابطه بلندمدت تایید می‌شود. به همین منظور فرضیه مربوط به وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت را می‌توان به صورت رابطه‌ی زیر نشان داد:

$$H_0 = \sum_{i=1}^P B_i - 1 \geq 0 \quad (13)$$

$$H_1 = \sum_{i=1}^P B_i - 1 < 0$$

بنابراین می‌توان آزمون وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت را انجام داد که به صورت زیر خواهد بود:

$$\frac{\sum_{i=1}^P \widehat{\beta}_i - 1}{\sum_{i=1}^P \delta \widehat{\beta}_i} = \frac{0.5432 - 1}{0.08412} = -5/4303$$

با توجه به نتیجه بدست آمده چون مقدار قدر مطلق عدد بدست آمده از مقدار بحرانی بنرجی و دولادو بیشتر است پی می‌توان گفت رابطه بلندمدت برقرار است و می‌توان رابطه بلندمدت را بررسی کرد.

بررسی نتایج بلندمدت

در این بخش بعد از بررسی دوره کوتاه مدت مدل ARDL و تایید وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها، نتایج بدست آمده از رابطه بلندمدت در جدول (۴) ارائه می شود.

جدول (۴). نتایج برآورد روش ARDL در بازه‌ی بلندمدت (یافته های تحقیق)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
INCOME CAP	۰/۹۷۹۵	۰/۳۲۱۲	۳/۰۴۹۸	۰/۰۰۵
LITER	۰/۱۹۴۵	۰/۱۰۱۰	۱/۹۲۷۴	۰/۰۶۵
LIFEP	۱/۴۸۷۶	۰/۶۴۱۲	۲/۳۲۰۱	۰/۰۳۱
ICT	-۱/۸۸۹۹	۰/۵۶۳۴	۳/۳۵۴۵	۰/۰۰۲

به دلیل اینکه مدل ارائه شده تحقیق به صورت لگاریتمی است، ضرایب بدست آمده به صورت کشش خواهند بود. نتایج حاصله نشان می دهد که کشش اشتغال زنان نسبت به درآمد سرانه مثبت و برابر ۰/۹۷ است. این عدد بیان می کند که با ۱ درصد افزایش در درآمد سرانه، مقدار اشتغال زنان ۰/۹۷ درصد افزایش می یابد. افزایش درآمد سرانه در هر کشور می تواند تأثیرات بسیاری را در بخش های اقتصادی به دنبال داشته باشد. نیروی انسانی به عنوان مهم ترین عامل تولید نیز از این قاعده مستثنی نیست. بازار کار به عنوان یک بازار دارای اهمیت در برابر بازارهای دیگر بشمار می آید، به همین دلیل از منظر ابعاد اهمیت شاید هیچ مسئله ای به اندازه اشتغال در سرنوشت امروز و فردای کشور موثر نباشد به همین دلیل نگرش درست در این حیطه نقش بسیار تعیین کننده ای در نوع جهت گیری ها دارد. در سطح توسعه، اشتغال با فقر، مهاجرت روستایی و نابرابری های آموزشی و حتی با بحران محیط زیست تا سطح سرمایه اجتماعی و ثبات سیاسی - اجتماعی یک جامعه درهم تنیدگی تمام عیار دارد. رابطه اشتغال با سطح انباشت سرمایه های انسانی، رابطه کیفیت اشتغال با جایگاه اقتصاد ملی در تغییر کار جهانی، پیوند تمام عیار اشتغال با توان رقابت، توان مقاومت اقتصاد ملی و پیوند اشتغال با عدالت اجتماعی و همچنین پیوند اشتغال با امنیت ملی مسئله ای است که درباره آن اتفاق نظر وجود دارد. هنگامی که در یک جامعه میزان درآمد سرانه افزایش می یابد، این مسئله به طور مستقیم می تواند مصرف کالاهای مختلف در جامعه را افزایش دهد که این خود زمینه را برای افزایش جذب نیروی انسانی فراهم می کند. زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت در این شرایط می توانند وارد بازار کار شوند. مشارکت اقتصادی زنان می تواند زمینه را برای افزایش نرخ رشد اقتصادی فراهم آورد. اهمیت ورود زنان به بازار کار و افزایش فرصت های شغلی مناسب مسئله ای است که در سال های اخیر بارها و بارها به آن پرداخته شده است و حتی برخی از تحلیلگران معتقدند زمینه برای ارتقای نرخ رشد اقتصادی آن ها را فراهم می کند.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که کشش اشتغال زنان نسبت به میزان باسوادی مثبت و برابر ۰/۱۹ است. این عدد بیان می‌کند که با ۱ درصد افزایش در میزان با سواد، مقدار اشتغال زنان ۰/۱۹ درصد افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاری روی ارتقای سطح تحصیلات زنان در جوامع در حال توسعه رشد تولید ناخالص داخلی را سالانه حدود ۰/۲ افزایش می‌دهد. کشورهایی که در آن‌ها این موضوع کم اهمیت به نظر می‌رسد، باید توجه داشته باشند که آموزش زنان به نفع اقتصاد کشور است. افزایش سطح تحصیلات، سطح کیفی و میزان بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد. افراد با تحصیلات بالاتر به شغل‌هایی با درآمد بیشتر دست پیدا می‌کنند، ضمن اینکه به آن‌ها امکان می‌دهد راحت‌تر نیازهای روزمره، سلامت و آموزش خانواده خود را تامین کنند. در جهانی که مملو از جنگ و فقر، گرسنگی و بیماری است، آموزش و پرورش یک کلید طلایی برای بهبود و ارتقای سطح زندگی مناطق آسیب‌دیده است. هنوز در دنیا، در برخی مناطق امکان تحصیل دختران و زنان در آموزش متوسطه و عالی با محدودیت روبه‌رو است. افزایش تحصیلات و نرخ با سواد همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در کشورها مطرح بوده است. چراکه می‌توان گفت وجود افراد با توانایی و تخصص بالا می‌تواند زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی ایجاد نماید. این در حالی است که وجود افراد با تخصص بالا زمینه لازم برای ایجاد اشتغال و کارآفرینی را هر چه راحت‌تر فراهم می‌کند. بنابراین می‌توان گفت وجود زنان با تحصیلات بالا و دارای تخصص بالا می‌تواند در میزان اشتغال آن‌ها اثر گذار بوده و زمینه را برای بیشتر کردن زمینه شغلی برای آن‌ها فراهم نماید.

همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که کشش اشتغال زنان نسبت به میزان امید به زندگی مثبت و برابر ۱/۴۶ است. این عدد بیان می‌کند که با ۱ درصد افزایش در میزان امید به زندگی، مقدار اشتغال زنان ۱/۴۸ درصد افزایش می‌یابد. امید به زندگی یکی از معیارهای اساسی تعیین سطح کیفیت زندگی در جوامع امروزی محسوب می‌شود به طوری که هر چه طول عمر مردم کشوری بیشتر باشد، آن جامعه را پیشرفته تر می‌دانند. بیشترین امید به زندگی مربوط به کشور ژاپن است که متوسط سن مردم آن به بیش از ۸۰ سال می‌رسد و بعد از آن کشورهایی مثل سنگاپور، استرالیا و کانادا با تفاوت بسیار نزدیکی با هم قرار دارند و کمترین میزان امید به زندگی مربوط به کشورهایی مثل افغانستان و زیمبابوه با متوسط سن کمتر از ۴۰ سال است. اسناد تاریخی مربوط به صدها سال پیش نشان می‌دهند متوسط طول عمر برخی افراد در آن زمان، کمتر از ۳۰ سال بوده است حال آنکه در جوامع کنونی این عدد به بیش از ۸۵ سال برای کشورهای پیشرفته می‌رسد. پس امید زندگی در بدو تولد، متوسط سال‌هایی است که انتظار می‌رود شخص از هنگام تولد زندگی کند و به طور عمده از شرایط اجتماعی و ویژگی‌های ژنتیکی فرد تأثیر می‌پذیرد. این شاخص نشان می‌دهد که هر یک از افراد متعلق به یک نسل معین تا پایان زندگی به طور متوسط چند سال عمر خواهند کرد. شاخص امید زندگی در بدو در سال ۱۳۹۰ در کل کشور برای مردان و زنان به ترتیب برابر ۷۱/۵ و ۷۴ سال بود که این ارقام برای مردان و زنان مناطق شهری به ترتیب برابر با ۷۱/۷ و ۷۴/۲ سال

و برای مردان و زنان مناطق روستایی به ترتیب برابر با ۷۰/۷ و ۷۳/۲ سال محاسبه شده بود. مقایسه این ارقام با ارقام سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نشان می‌دهد در طی پنج سال به ترتیب ۱ سال به امید زندگی مردان و ۱/۵ سال به امید زندگی زنان افزوده شده است. امید به زندگی می‌تواند موتور محرک انسان باشد و انسان بدون امید مرده متحرکی است که هیچ هدف و برنامه‌ای ندارد. عوامل گسترده‌ای از جمله سطح سواد، شغل، درآمد، محل زندگی، نوع ارتباط با خویشاوندان، تغذیه، خدمات بهداشتی و درمانی و اعتقادات مذهبی بر شاخص امید به زندگی در جوامع مختلف موثر است و ارتقای هر کدام از این معیارها نقش مستقیمی بر افزایش سطح امید به زندگی خواهد داشت. به عنوان مثال هر چه سطح تحصیلات جامعه‌ای بیشتر باشد، میزان امید به زندگی افراد در آن جامعه نیز بیشتر خواهد شد. البته طول عمر بیشتر افراد به علت افزایش میزان تحصیلات نیست بلکه به این علت است که افراد با سطح تحصیلات بالاتر از میزان آگاهی بیشتری برخوردار هستند و هنگام مواجه با مشکلات، بیماری‌ها، ... تصمیم بهتری را اتخاذ می‌کنند. به طور کلی فردی که سطح تحصیلات بالاتری دارد از کیفیت زندگی بهتری برخوردار است. شغلی که افراد به آن اشتغال دارند نقش اساسی در کم یا زیادتر شدن تعداد سال‌های زندگی انسان دارد به طوری که بعضی از مشاغل خطرزا بوده و یا فرسایش فیزیکی بدن را به دنبال دارند. افرادی که به مشاغل سنگینی همچون فعالیت در معادن و یا مشاغل مدیریتی که از استرس بالایی برخوردار است، اشتغال دارند از امید به زندگی پایین‌تری برخوردار هستند. از آن جایی که قدرت اقتصادی بیشتر، آموزش و خدمات بهداشتی و درمانی بهتری را برای افراد فراهم می‌کند، می‌توان عامل اقتصادی را یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر میزان امید به زندگی در جوامع کنونی دانست. پس هر میزان به امید به زندگی افراد افزایش می‌یابد، انگیزه‌ی آن‌ها برای کار و تلاش نیز بیشتر می‌شود. پس با افزایش میزان امید به زندگی، می‌توان افزایش میزان اشتغال زنان را نیز مشاهده کرد.

نتایج حاصله نشان می‌دهد که کشش اشتغال زنان نسبت به میزان ICT برابر ۱/۸۸- است. این عدد بیان می‌کند که با ۱ درصد افزایش در میزان ICT، مقدار اشتغال زنان ۱/۸۸ درصد کاهش می‌یابد. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و در پیشبرد و رسیدن به اهداف نقش موثری را ایفا می‌کنند. بهره‌گیری از ICT می‌تواند تاثیر منفی بر اشتغال داشته باشد. وجود سیستم‌های جدید می‌تواند یک سطح مشخصی از بیکاری را به وجود آورد که به آن بیکاری تکنولوژیکی می‌گویند، بدین صورت که استفاده از تکنولوژی‌های جدید و بهره‌برداری از ساختارهای جدید تولیدی منجر به بیکار شدن بخشی از افراد شاغل می‌شود و در نتیجه می‌تواند تاثیر منفی بر سطح اشتغال کشور داشته باشد.

بررسی الگوی تصحیح خطای مدل (ECM)

سومین قسمت در بررسی مدل ARDL، بررسی الگوی تصحیح خطا یا ECM می‌باشد. مدل تصحیح خطا در تلاش است تا میزان برگشت عدم تعادل‌های متغیر وابسته بلندمدت را نشان دهد، یعنی ECM مقدار تعدیل بلندمدت متغیر وابسته را نشان می‌دهد. جدول (۵) نتایج مربوط به ECM را نشان می‌دهد.

جدول (۵). نتایج حاصل از تخمین الگوی ECM (یافته‌های تحقیق)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
dINCOMECAP	۰/۴۳۷۸	۰/۱۲۵۸۱	۳/۴۸۰۱	۰/۰۰۲
dLITER	۰/۶۷۱۴	۰/۲۴۸۷۶	۲/۶۹۹۳	۰/۰۱۵
dLIFEP	۳/۳۳۶۴	۰/۴۲۵۷۲	۷/۸۳۷۱	۰/۰۰۰
dICT	-۰/۳۳۸۸	۰/۱۴۵۷۸	-۲/۳۲۴۱	۰/۰۳۱
ECM(-1)	-۰/۵۲۱۴	۰/۰۹۷۸۱	-۵/۳۲۱۴	۰/۰۰۰
DW=۱/۶۷۱۲		R ² Bar = ۰/۶۶۹۹		R ² = ۰/۶۸۱۴

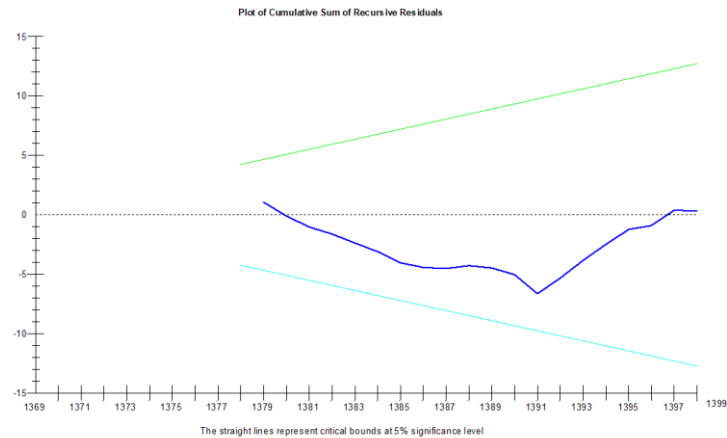
ضریب ECM باید منفی و از ۱ کمتر باشد و همان‌طور که از نتایج بر می‌آید ضریب در مدل حاضر برابر ۰/۵۲- است. این بدان معناست که در هر سال ۰/۵۲ درصد از خطاهای موجود متغیر وابسته تعدیل و رفع می‌شود و مدل می‌تواند به تعادل بلندمدت خود باز گردد. همچنین می‌توان گفت به طور تقریبی ۱/۹۲ سال طول می‌کشد تا این تعدیل به صورت کامل انجام پذیرد.

آزمون ثبات ساختاری^۲

آزمون ثبات ساختاری همان‌طور که از نامش بر می‌آید، ساختار مدل مورد بررسی را تجزیه و تحلیل می‌کند. در این آزمون مجموع جملات اخلاص و مجموع تجمعی جملات اخلاص بررسی می‌شود. برای معنی دار بودن آزمون باید خط حاصل از مجموع جملات اخلاص و مجموع تجمعی جملات اخلاص بین مقادیر بحرانی ۵ درصد مثبت و منفی قرار گیرد و از آن خارج نشود. اگر خطوط مورد نظر جملات از خطوط بحرانی خارج شوند، در آن صورت مدل مورد بررسی از نظر ساختاری دارای ثبات نیست. نمودار (۱) مجموع جملات اخلاص را نشان می‌دهد.

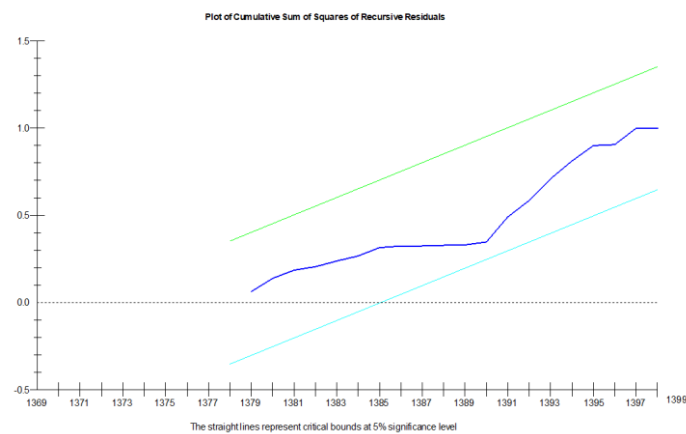
^۱. ECM

^۲. Structural Stability



نمودار (۱). آزمون مجموع تجمعی جملات اخلاص (یافته های تحقیق)

با توجه نتایج حاصله از نمودار ۱ خط حاصل از نمودار مجموع تجمعی جملات اخلاص در محدوده‌ی خطوط بحرانی ۵ درصد مثبت و منفی جای گرفته و هیچ گونه خروجی از آن دیده نمی‌شود. پس می‌توان گفت در مدل مورد بررسی شکست ساختاری قابل مشاهده نیست. بعد از تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از نمودار مجموع تجمعی جملات اخلاص، باید آزمون مجموع مجذور تجمعی جملات اخلاص نیز انجام پذیرد. این مسئله در نمودار (۲) قابل مشاهده است.



نمودار (۲). آزمون مجموع مجذور تجمعی جملات اخلاص (یافته های تحقیق)

با توجه نتایج حاصله از نمودار ۲ خط حاصل از نمودار مجموع مجذور تجمعی جملات اخلاص در محدوده‌ی خطوط بحرانی ۵ درصد مثبت و منفی جای گرفته و هیچ گونه خروجی از آن دیده نمی‌شود. پس می‌توان گفت در مدل مورد بررسی شکست ساختاری قابل مشاهده نیست.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

اشتغال زن مسئله‌ای است که به ویژه در دهه‌های اخیر، با وجهه‌ای جهانی و بدون مرز، به عرصه نظریه‌پردازی فرهنگی و اجتماعی وارد شده است. افزایش روزافزون اشتغال زنان با مفهوم «انجام کارهای تمام‌وقت، دارای مزد و بیرون از خانه توسط زنان» در بسیاری از جوامع، آن را به پدیده‌ای با جوانب متعدد از جهت شرایط و چگونگی اشتغال زنان (ساعات کاری، دستمزدها و مهارت‌ها)، تأثیرگذاری چندوجهی بر نهاد خانواده و مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط مانند بیکاری مردان و تغییر بنیادین روابط اجتماعی زن و مرد مبدل ساخته است. بر این اساس، پدیده اشتغال زنان از زوایای متفاوتی قابل پژوهش و بررسی است. منظور از بررسی ضرورت یا عدم ضرورت اشتغال زنان، برای خانواده‌ها و جامعه ایرانی، بررسی عللی است که پشتوانه‌های این پدیده به شمار می‌روند. اگر اشتغال زنان در چارچوب مورد پذیرش یک جامعه در پی رفع نیازهای اساسی آن جامعه باشد؛ شاید این سؤال ایجاد شود که چرا در مورد ضرورت اشتغال مردان در یک جامعه سخنی به میان نمی‌آید و این امر، در هیچ زمانی تاکنون، به چالش کشیده نشده است؟ در پاسخ، می‌توان با نگاهی به تاریخ بشر اذعان داشت که در تمامی طول تاریخ، ویژگی‌های بیولوژیک و طبیعی زن و مرد عمده‌ترین عامل در تفکیک جنسیتی نقش‌ها در خانواده و جامعه بوده است؛ یعنی زن و مرد به واسطه تفاوت نقشی که در تولید نسل دارند، به طور طبیعی در جایگاه‌های متفاوتی از نقش‌ها قرار گرفته‌اند و این تفکیک شامل نقش رسیدگی به تمامی امور داخلی منزل برای زن و نقش حمایت مالی و در واقع تأمین معاش خانواده برای مرد بوده است و حتی در آرای بسیاری از نظریه‌پردازان اجتماعی کلاسیک و معاصر، این تفکیک نقش، برای بقا و استحکام نهاد خانواده امری ضروری به حساب می‌آید که نسل به نسل، از طریق الگوپذیری از والدین به فرزندان نیز منتقل می‌شود. البته تفکیک جنسیتی نقش‌ها در شکل گرفتن شخصیت کودک نیز نقش قاطعی دارد. پسر خود را با پدر همانند می‌کند و دختر به مادر تأسی می‌جوید. در سوی دیگر، اشتغال زن، علاوه بر آنکه موقعیت عاطفی زن در خانواده را متزلزل می‌سازد، به سبب رقابت شغلی زن با شوهر، به ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌انجامد. بر این اساس، اشتغال زن با تعریف مدرن آن، که با یک ویژگی اساسی یعنی جدا شدن محل زندگی و کار زن همراه است، نوعی سرپیچی از قانون طبیعت و تغییر مسیر تاریخ درباره تفکیک نقش‌های زن و مرد در خانواده و جامعه به شمار می‌رود. به همین خاطر است که گروه‌های مختلف اجتماعی، در راستای احقاق حقوق زن، برای اثبات ضرورت اشتغال زن از لحاظ فردی و اجتماعی در طول چندین دهه تلاش نموده‌اند؛ اما تاکنون به ویژه در جوامع مذهبی و

خانواده‌گرا، همچنان با تردید به اشتغال مطلق زنان (به ویژه زنان متأهل) نگریسته می‌شود و در پی این تردید، ایجاد لوازم و رفع موانع اشتغال زنان نیز در اولویت امور قرار نمی‌گیرد. در حقیقت، گسترش و سازمان‌دهی اشتغال زنان در جامعه نیازمند زیرساخت‌های معینی است؛ زیرا اشتغال زنان با متغیرهای متفاوتی در ارتباط است و می‌توان اذعان داشت اشتغال زنان بر تمامی ارکان اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌تواند مؤثر باشد. مطابق تحقیقات انجام یافته کیفیت زندگی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات جذاب تبدیل شده است که توجه علاقه‌مندان و محققان زیادی را به خود جلب می‌کند. سال‌های اخیر برخی از محققان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی جامعه را ارزیابی کیفیت زندگی دانسته‌اند و تحقیقات مختلفی در زمینه رابطه کیفیت زندگی با متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی انجام یافته‌اند. با افزایش اشتغال زنان، کیفیت زندگی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، همچنین میزان سواد، سلامت جسمی و روحی، وضعیت اقتصادی و درآمد زنان بر کیفیت زندگی آنان تأثیرگذار بوده است و تلویحا مابین شاخص‌های کیفیت زندگی و اشتغال زنان رابطه وجود دارد. امادر حد جستجوی محققان مطالعات معدودی به بررسی تأثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان مشارکت زنان پرداخته‌اند. در اغلب پژوهش‌های انجام یافته عوامل مؤثر بر اشتغال زنان مورد مطالعه قرار گرفته و یا به بررسی اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان پرداخته‌اند. به همین دلیل این مطالعه کوشید تا به بررسی تأثیر شاخص کیفیت زندگی بر میزان مشارکت زنان در بازار کار در ایران در بازه‌ی زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۹ با استفاده از روش ARDL بپردازد. نتایج نشان داد کشش اشتغال زنان نسبت درآمد سرانه ۰/۹۷ است. به طوری که با ۱ درصد افزایش در درآمد سرانه، ۰/۹۷ درصد اشتغال زنان افزایش می‌یابد. کشش اشتغال به میزان باسوادی مثبت و برابر ۰/۱۹ است. به طوری که با ۱ درصد افزایش در میزان باسوادی، اشتغال زنان ۰/۱۹ درصد افزایش می‌یابد. کشش اشتغال زنان نسبت به امید به زندگی مثبت است. به طوری که با ۱ درصد افزایش در امید به زندگی، اشتغال زنان ۱/۴۸ درصد افزایش می‌یابد کشش اشتغال زنان نسبت به میزان ICT منفی ارزیابی شد. به طوری که با ۱ درصد افزایش در میزان ICT، اشتغال زنان ۱/۸۸ درصد کاهش می‌یابد. البته همان طور که اشاره شد تاکنون تحقیق چندانی در مورد تأثیر کیفیت زندگی بر اشتغال زنان انجام نشده با این حال نتایج در تطابق با تحقیقاتی که تأثیر متغیرهای بکار رفته در مدل را بطور مجزا بر اشتغال زنان مورد بررسی قرار داده بودند، مطرح می‌شوند. بدین ترتیب نتایج مطالعه حاضر در زمینه تأثیر درآمد سرانه مطابق نتایج مطالعات نامدار (۱۳۹۸) و دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵)، همچنین در زمینه تأثیر میزان باسوادی موافق نتایج مطالعات نامدار (۱۳۹۸)، دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵)، هاشم‌زهی (۱۴۰۲) و پاستور و همکاران (۲۰۱۰)، در زمینه تأثیر امید به زندگی بر اشتغال موافق نتیجه مطالعه دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵)، بوده اما در مورد تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال موافق نتیجه مطالعه نامدار (۱۳۹۸) و بر خلاف نتایج

مطالعه آرمن و همکاران (۱۳۹۴) و دیزجی و کتابفروش بدری (۱۳۹۵) می‌باشند. همچنین لازم به ذکر است مطالعات مذکور یا از نظر جمع آوری داده و اطلاعات متفاوت بوده‌اند و همانند مطالعه هاشم‌زهی و نامدار از پرسشنامه استفاده شده و یا از لحاظ روش انجام کار متفاوت بوده‌اند بطور مثال مطالعه دیزجی و بدری و نیز آرمن و همکاران از روش داده‌های تابلویی در کشورهای منتخب استفاده کرده‌اند، اما مطالعه حاضر در جامعه آماری ایران کار شده و روش تخمین داده‌های کمی نیز متفاوت از مطالعات مذکور می‌باشد. محدودیت تحقیق مربوط به دسترسی به مولفه‌های کیفی کیفیت زندگی بوده و با لحاظ روش بکار رفته در تخمین مدل برآوردی؛ برای این منظور عمدتاً مولفه‌های کمی که اطلاعات آماری برای دوره ۳۰ سال قابل دسترسی بود، مورد استفاده قرار گرفتند.

با توجه به نتایج حاصله تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

در کل بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان پیشنهاد داد که با برنامه‌ریزی در راستای افزایش کیفیت زندگی از طریق بالا بردن میزان باسوادی زنان و بهبود امید به زندگی توسط انجام هزینه‌های آموزشی و سلامت و بهداشت، زمینه‌ی افزایش اشتغال زنان را فراهم کرد. همچنین با بکارگیری فناوری‌های مدرن از جمله ICT از سوی دولت‌ها، برنامه‌ریزی مناسبی جهت بهبود کسب و کار زنان در فضای مجازی انجام داد. به عبارت دیگر با لحاظ متغیرهای مورد مطالعه در رابطه با شاخص کیفیت زندگی و نتایج بدست آمده، می‌توان به موارد زیر توجه داشت:

۱. باید سعی شود تا میزان درآمد سرانه در جامعه افزایش یابد تا شاهد افزایش اشتغال زنان بود. هر چه درآمد سرانه افزایش یابد می‌توان انتظار داشت که مقدار تولید یک کشور رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. این افزایش تولید از سوی موسسات و بنگاه‌های تولیدی مختلف که ارائه خدمت می‌کنند نشأت می‌گیرد. پس برای این کار سرمایه‌گذاری لازم نیز باید در این بخش‌ها وجود داشته باشد و با این شرایط می‌توان شاهد افزایش بهره‌گیری از نیروی کار و در نتیجه نیروی کار زنان بود.
۲. تلاش در جهت آموزش و افزایش میزان باسوادی نیز باید در دستور کار گیرد. وجود نیروی متخصص می‌تواند تولید را بهینه‌تر و کارا تر نماید و اشتغال زنان را نیز بهبود بخشد.
۳. وجود امید به زندگی نیز یکی از عوامل دیگر اثرگذار بر اشتغال زنان است. باید شرایطی فراهم شود تا میزان امید به زندگی در جامعه افزایش یابد و با بهره‌گیری از این مهم، شاهد افزایش میزان اشتغال زنان نیز بود.
۴. همچنین برای بهبود وضعیت اشتغال زنان، می‌توان زمینه آموزش و بکارگیری ICT توسط زنان را فراهم کرد چراکه مطابق تحقیقات انجام شده دسترسی به اینترنت و فناوری ارتباطات و اطلاعات با بهبود کسب و کار و اشتغال زنان رابطه دارد.

۵. در زمینه پژوهشی نیز به دیگر محققان پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آتی از دیگر مؤلفه‌هایی که در ارزیابی کیفیت زندگی مطرح شده‌اند؛ از قبیل شرایط محیطی و شاخص آلودگی محیط زیست، شرایط آب‌وهوایی، شاخص ترافیک، دیگر شاخص‌های سلامت افراد جامعه اعم از سلامت روانی و جسمی، خدمات بهداشتی، کیفیت آموزش، قدرت خرید مصرف‌کننده، هزینه زندگی، نسبت قیمت مسکن به درآمد افراد، امنیت و در یک کشور و نیز در کشورهای مختلف استفاده گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری در مورد رابطه‌ی کیفیت زندگی با متغیرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... انجام گیرد، چرا که مسلماً آینده‌نگری بهتر و برنامه‌ریزی‌های سیاستی نیازمند پژوهش در زمینه‌های مختلفی از علوم می‌باشد.

تعارض منافع

«نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.»

Reference

- Ahmadi, A., Roshan, Q., & Ashrafi, K. (2015), *Investigating the Effects of Women's Employment on the Quality of Life (A Case Study of Working Women in Alborz City)*, Social Geography Research, Vol. 13, No. 1, 72-92 (In Persian).
- Anabestani, A., Mahmoodi, H., & Sarbarghitorghabeh, T., (2016), *Effects of the Quality of Villagers' Life on Improving the Quality of Rural Housing (Case study: Shandiz District of Binalud County)*, Journal of Spatial Planning, Vol. 6, No. 1 - Serial No. 20, 1-20 (In Persian).
- Baruah, B. (2016). *Renewable Inequity? Women's Employment in Clean Energy in Industrialized, Emerging and Developing Economies*, Natural Resources Forum, Vol. 41, No.1, 18-29.
- Bussmann, M. (2009), *The Effect of Trade Openness on Women's Welfare and Work Life*, World Development, Vol.37, No. 6, 1027-1038.
- Chelebiyev, N.Z. (2020). *Social and Psychological Analysis of the Transformation Family Functions in the Age of Globalization*, Journal of Complementary Medicine Research, Vol. 11, No. 1, 380-385.
- Chen, X., Yu, B., Gong, J (2018). *Social Capital Associated with Quality of Life Mediated by Employment Experiences: Evidence from a Random Sample of Rural-to-Urban Migrants in China*. Soc Indic Res.
- Cox-Martin, E., Anderson-Mellies, A., Borges, V., & Bradly, C. (2020), *The Chronic Pain, Health-Related Quality of Life, and eEmployment in Working-Age Cancer Survivors*, J Cancer Surviv, Vol. 14, No. 2, 179-187.
- Crump, B., Logan, K., McIlroy, A. (2007), *Does Gender Still Matter? A Study of the Views of Women in the ICT Industry in New Zealand*, Gender, Work and Organization Journal, Vol.14, No. 4, 349-370.
- DelPisheh, A., Visani, Y., Sayehmiri, K., Shahbazi, N., Naderi, Z. & Sohrabnejad, A., (2013), *Relationship Between Socioeconomic Status and Quality of Life in the Female-Headed Households*, Social Work, Vol. 3, No. 1, 27-33 (In Persian).
- Divsalar, A., Naqavi, M.R. & Paydar, A. (2013), *Measuring the Quality of Rural Life from the Perspective of the Special Vector Technique and the TOPSIS Method Using and Comparing Similarity Models to the Ideal Solution, A case study: Mian Kale Behshahr village*, New Attitudes Quarterly in Human Geography, Vol. 4, No. 4, 21-38 (In Persian).
- Dizaji, M., Abdullahi, A. & Taghizadeh, H. (2009), *The Impact of Trade Liberalization on Women's Prosperity in Selected Countries of the World*, Journal of Woman and Study of Family, Vol.2, No. 7, 83-102(In Persian).

- Dizaji, M., Ketabforoush Badri, A. (2016), *Investigating Factors Affecting Women's Employment with Emphasis on the Use of ICT*, Journal of Woman and Study of Family, Vol. 9, No. 34, 73-94 (In Persian).
- Drolet, M. (2017), *The Effect of Herpes Zoster and Postherpetic Neuralgia on Health-Related Quality of Life, Function, Employment-Related Productivity, and the Cost-Effectiveness of the Vaccine*, Springer International Publishing, Available at: https://doi.org/10.1007/978-3-319-44348-5_11.
- Gadami, M., Aliqlizadehfirouzjaei, N. & Ramzanzadehlesboi, M., (2011), *Investigating the Role of Tourism in Changes in the Quality of Life of the Destination (Study Sample: Kalarabad District, Tankabon city)*, Community Verified icon Iranian Journal of Social Studies, Vol. 4, No. 3, 152-181 (In Persian).
- Ghaderi, P., Karimianbostani, M. & Hafezrezazadeh, M., (2021), *Assessing the Social and Economic Status of Combined Indicators of Quality of Life (Case study: Four Areas of Chabahar city)*, Geography and Regional Planning, Vol. 10, No. 41, 869-890 (In Persian).
- Guisan, M.C. & Aguayo, E. (2020), *Employment and Quality of Life of Women IN SPAIN: Evolution 1970-2020 and International Comparisons*, Applied Econometrics and International Development, Vol. 20, No. 2, 57-74.
- Ghazinejad, N., Mazloumi, S., & Dehghani, T. (2016), *Studying the Effect of Various Factors on the Quality of Life of Primiparous Women in Nowshahr City*, Tolo Health magazine, Vol. 16, No. 1, 23-32 (In Persian).
- Hashemzahi, N., (2022), *Explaining the Role of the Family in the Passion for Work and Activity among Female-Headed Households*, Woman & Study of Family, Vol. 17, No. 61, 39-62 (In Persian).
- Hayatikadijani, S., & Jafari, M. (2015), *The Role of Women's Employment on Family Social Health; Case Study –Tehran, Districts 1, 2, 19 and 20*, Journal of Community Health Research, Vol. 4, No. 1, 11-18.
- Iran Statistics Center (2015), *General Results of Population and Housing Census 2015*, Tehran: Iran Statistics Center (In Persian).
- Javaheri, F., Serajzadeh, S. H., & Rahmani, R., (2010), *Analysis of the Effects of Women's Employment on their Life Quality Case study: Iranian Female Employees in the Ministry of Agriculture*, Woman in Development and Politics, Vol. 8, No. 2, 143-162 (In Persian).

- Karimi Patanlar, S., Gilak Hakimabadi, M., & Nabati, Z. (2017), *Financial corruption and women's employment in selected countries*, Women's Journal, Vol. 8, No.4, 65-81 (In Persian).
- Khoshfarkhoshfar, Gh., Moammeri, E., Sayadsalar, y. & Hosseinnejad, M., (2021), *Review and Ranking of Quality of Life Indicators (Case Study: North Khorasan Counties)*, Research Journal of Great Khorasan, Vol. 12, No. 44, 103-119 (In Persian).
- Maghsoodi, S., & Bostan, Z., (2004), *Problems Arising from Simultaneity of the Home and Social Roles: A Case Study of the Employed Women in the City of Kerman*, Quarterly Journal of Women's Studies Sociological and Psychological, Vol. 2, No. 5, 130-156 (In Persian).
- Maleki, S., & Modanloujouybari, M., (2014), *Evaluating and Rating the Quality of Life in Mazandran Province Using SAW and AHP Techniques*, Journal of Geography and Urban Space Development, Vol. 3, No. 1 - Serial Number 4, 133-147 (In Persian).
- Marchante, A., & Ortega, B. (2006), *Quality of Life and Economic Convergence Across Spanish Regions:1980-2001*, Reg Stud, Vol.40, No.5, 471-483.
- Mencarini, L., & Vignoli, D. (2017), *Employed Women and Marital Union Stability: It Helps When Men Help*, Journal of Family Issues, Vol.39, No.5, Available at: <https://doi.org/10.1177/0192513X17710283>.
- Mirjalili, S. H., Moradkhani, N., & Abbaszadeh, M., (2021), *Investigating the Effect of Income on Women's Quality of Life (A Case Study of Female Employees of Zanjan University)*, Women's Studies, Vol. 11, No. 34 - Serial Number 34, 139-156 (In Persian).
- Mohammad Nourbakh Shlangroudi, M., Bahmani, A., & Shadidizji, B., (2019), *Investigating the Impact of Employment on the Quality of Work Life of Employees*, Proceedings of the 26th International Electricity Conference, Tehran, Tavanir Company, Niro Research Institute, Accessible at: https://www.civilica.com/Paper-PSC26-PSC26_244.html (In Persian).
- Namdar M., (2010), *Factors Influencing Iranian Women's Employment Concurrent with Introducing Modern Technologies to Rural Economy: A Case Study of Combine Owners in Fars Province*, Village and Development, Vol. 13, No. 2, 103-128 (In Persian).
- Nazari F, Karimian H, & Sharifi M. (2021), *Effect of women's employment quality on quality of life (Case study of working women in Tehran)*. Economic Jurisprudence Studies, Vol.3, No.3, 150-168 (In Persian).

- Nie, D., Lamsa, A., & Pucetaite, R., (2017), *Effects of Responsible Human Resource Management Practices on Female Employees' Turnover Intentions*, *Business Ethics: A European Review*, Vol. 27, No. 1, Available at: <https://doi.org/10.1111/beer.12165>.
- Pasban, F. (2016), *Economic and Social Factors Affecting the Employment of Rural Women in Iran (1347 to 1383)*, *Agricultural Economics and Development*, Vol.14, No. 53, 153-176 (In Persian).
- Pesaran, M.H., & Shin, Y. (1195), *An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis*, Cambridge Working Papers in Economics 9514, Faculty of Economics, University of Cambridge.
- Piasna, A., & Plagnol, A. (2017), *Women's Job Quality Across Family Life Stages: An Analysis of Female Employees Across 27 European Countries*, *Social Indicators Research*, Vol. 134, No. 22, 1-20.
- Pourmohammadi, M. R., Valibeigi, M., (2015), *Identification of Interactions between Quality of Life Indicator and Regional Development*, *Bagh-Enazar*, Vol. 12, No. 32 - Serial No. 32, 34-52 (In Persian).
- Pourreza, A., Rostaminy, M., Harati Khalilabad, T., Maleki, S. & Mosavi, S. A., (2018), *The Impact of Formal and Informal Employment of Women on their Quality of Life: A study in Tehran*, *Journal of Health Based Research*, Vol.3, No. 4, , 379 – 388 (In Persian).
- Rafatjah, M., & Khairkhah, F., (2013), *Issues and Challenges of Women's Employment in Iran from the Point of View of those Working in Managerial Positions*, *Social and Cultural Development*, Vol. 1, No. 2, 130-156 (In Persian).
- Report of EIU (2005), *The Economist Intelligence Unit's Quality-of-life Index*, 1-4.
- Rezvani, M. R., & Mansourian, H., (2017), *Quality of Life Measurement: Reviewing Concepts, Indicators, Models and Presenting a Proposed Model for Rural Areas*, *Village and Development Journal*, Vol. 11, No. 3, 26-1 (In Persian).
- Sanei, S. (2013), *Quality of Life, Dimensions and Approaches*, *The Second National Conference of Sociology and Social Sciences*, Tehran, Available at: <https://civilica.com/doc/348859> (In Persian).
- Scheiwiller S.G. (2018), *Modern Family: The Transformation of the Family Photograph in Qajar Iran*, *Family Photographs*, Vol.9, No.1, Available at <https://quod.lib.umich.edu/t/tap/7977573.0009.109>.

- Shafiei Kakhaki, M., (2013), *Migration; Income Inequality or Improving the Quality of Life*, *Applied Economics Quarterly*, Vol. 2, No. 4, 89-112 (In Persian).
- Tashkini, Ahmad, (2004), *Applied Econometrics with the Help of Microfit*, Tehran: Dibagaran (In Persian).
- Torkaman, S., & Fathi, S., (2017), *Study the Effect of Women's Employment Concerns Over the Quality of Their Lives*, *Quarterly Journal of Woman and Society*, Vol. 7, No. 28 - Serial No. 28, 13-26 (In Persian).
- Zanjani, H., & Bayat, M., (1389), *Studying the Impact of Employment on the Quality of Life of Women in Mashhad 1388*, *Contemporary Sociology*, Vol. 2, No. 2, 171-190 (In Persian).

Investigating the effects of quality of life on women's employment in Iran

Monireh Dizaji^۱ Arash Ketabforosh Badri^۲ Hamid Rostami^۳

Abstract

The purpose of this study is to investigate the impact of the quality of life index on the participation rate of women in the labor market of Iran. This is despite the fact that in most of the researches, the factors affecting women's employment have been studied or the effects of women's employment on their quality of life have been investigated, and this issue is considered as an innovation of the present research. The investigated time period is from 1369 to 1399, in which the vector self-explanation method with extended intervals (ARDL) was used. In this study, which is of analytical causal type, an attempt was made to investigate the effects of quality of life index factors such as per capita income, literacy rate, life expectancy, and information technology on employment. The results obtained from the research indicate that per capita income, literacy rate, and life expectancy have a positive and significant impact, while access to information and communication technology has a negative and significant impact on women's employment. In general, based on the results obtained, it can be said that by planning to increase the quality of life by increasing the literacy rate of women and improving life expectancy by spending on education and health, it is possible to provide the basis for increasing the employment of women. Also, with the use of modern technologies, including ICT, by governments, it is possible to plan properly to improve women's business in cyberspace.

Key words: Women's Employment, Quality Of Life, Literacy Rate, ARDL Model.

¹. Associate Professor, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad university, Tabriz, Iran (Corresponding Author). dizaji@iaut.ac.ir

². PhD, Department of Economics, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

³. MSc., Department of Industrial Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.